



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

خبرنامه

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

دوره جدید، سال هفتم، شماره پنجاه و نهم، شهریور ۱۳۹۸

گزارش مراسم گرامیداشت روز کارمند در پژوهشگاه
پیام تبریک دکتر قبادی به مناسبت روز کارمند
دکتر قبادی: باید اهلیت و ظرفیت پیدا کنیم تا امام علی (ع) با ما گفتگو کند
برگزاری دویست و نهمین جلسه شورای مرکزی شورای بررسی متون و کتب علوم انسانی
کارنامه و اثربخشی فعالیت‌های شورای بررسی متون و کتب علوم انسانی؛ در گفتگو با دکتر کریمی مطهر
معرفی کتاب «کتیبه‌های خصوصی فارسی میانه ساسانی و پس‌ساسانی»

سخنرانی‌ها و نشست‌ها

مبانی فلسفی اندیشه سیاسی امام خمینی (ره)
جایگاه داده‌کاوی در وهابیت پژوهی معاصر
نقش و کارکرد ارتباطات و رسانه در تقریب مذاهب اسلامی
توسعه و سازمандهی محتوای دیجیتال
اخلاق حرفه‌ای در پژوهش؛ مسئولیت اجتماعی دانش
توسعه ایران؛ چالش‌های گذشته، چشم‌انداز آینده
جامعه‌شناسی کوتاه‌بین؛ مطالعه موردی نظریه جامعه کلنگی
نمایش و نقد فیلم مستند «در جستجوی فریده»

برگزاری مراسم گرامیداشت روز کارمند

از این منظر نیازمند واکاوی وضع موجود هستیم تا به وضعیت مطلوب برسیم. جامعه ما دچار نوعی گم‌گشتگی و سرگشتگی شده است که فضای مجازی هم تغییرات زیادی را به جامعه تحمیل می‌کند. دیگر آموزش و پرورش ما نمی‌تواند پشت درها و دیوارهای

به همت معاونت فرهنگی و اجتماعی، به مناسبت هفته دولت و گرامیداشت یاد و خاطره شهیدان والامقام رجایی و باهنر و بزرگداشت روز کارمند، صبح روز دوشنبه ۴ شهریور ماه ۱۳۹۸، جشنی در سالن حکمت پژوهشگاه علوم انسانی برگزار شد. دکتر قبادی، رئیس پژوهشگاه



بسته و با نگرهبان، زیست فرهنگی داشته باشد. امروز بیش از ۵۰ میلیون نفر در شبکه‌های مختلف اجتماعی زیست فرهنگی دارند اما جالب اینکه ما در فرایند زیست آنها نقش‌آفرین نیستیم و از مشکلات و ناهنجاری‌ها پس از وقوع آن مطلع می‌شویم. آموزش و پرورش ما نیازمند یک عبور از نظام محفوظات به نظام‌های جدید است. معلم باید ۲۴ ساعته معلم باشد و با دانش‌آموز در دیگر فضاها هم زیست کند. دیگر مثل سابق فضای مجازی که حقیقی شده، ابزار نیست و خود تبدیل به هدف شده و بستر اصلی تغییرات اجتماعی است. به یاد دارم روزانه در برخی موارد و در همین کشور ۲ میلیارد خبر باز نشر می‌شد که با در نظر گرفتن متوسط ۵۰ میلیون کاربر فضای مجازی، بیش از ۶۰ خبر به هر فرد می‌رسید و ...
صالحی امیری ادامه داد: گسل‌های اجتماعی ایجاد شده نیز به جامعه ایران ضربات جبران‌ناپذیری وارد می‌کند که در این خصوص حدود ۱۸ ماه پژوهش کرده‌ام که اگر فرصت باشد در آینده آن را نیز در پژوهشگاه مطرح می‌کنم. ما باید بدانیم هر گسل یا تکان اجتماعی خسارتی به جامعه وارد می‌کند. ما

علوم انسانی و مطالعات فرهنگی پس از عرض خیرمقدم به حاضرین و تبریک روز کارمند و هفته دولت، گفت: ما کارمندان مردم هستیم و ان‌شاءالله بتوانیم در خدمت مردم هم باشیم.
قبادی تأکید کرد: برای اینکه بتوانیم بهتر و بیشتر به مردم خدمت کنیم باید به طرح‌ها و پژوهش‌های کاربردی توجه کنیم که خوشبختانه پس از تأسیس «پژوهشکده کاربردی‌سازی علوم انسانی» و سوق طرح‌ها به سوی کاربردی شدن، نیازمندی و تقاضامحوری، توانسته‌ایم در این راستا گام‌های مؤثری برداریم.
در ادامه دکتر سیدرضا صالحی امیری، رئیس کمیته ملی المپیک با موضوع «زیست فرهنگی، نیاز امروز و ضرورت فردا» سخنان خود را ارائه کرد و گفت: ما به دلیل شرایط خاص اقتصادی، از حوزه فرهنگی غافل مانده‌ایم و فساد، گرانی، تورم، فقر، بیکاری و عوامل متعدد دیگر تا حدود زیادی فضای کشور را تحت تأثیر قرار داده است.
وی تأکید کرد: امروزه ما نوعی از غفلت و تأخر فرهنگی را تجربه می‌کنیم که این غفلت تاریخی خسارت‌های سنگینی را به آینده جامعه تحمیل خواهد کرد. ما



سال است با مسأله حجاب در چالش هستیم تا مسأله روز ما این باشد که حجاب می‌خواهیم یا پوشش؟ و هنوز نتوانسته‌ایم به این سؤال جواب بدهیم. وقتی از حجاب صحبت می‌کنیم از باورها صحبت می‌کنیم و وقتی از پوشش صحبت می‌کنیم از بایدها، ما نیازمند یک شیفت گفتمانی در زیست فرهنگی از نظام بایدها به باورها هستیم و دیگر نمی‌توانیم جامعه را با بایدها اداره کنیم. باید بپذیریم که ما با یک کارکرد فرهنگی و با داشتن انسان‌هایی که زیست فرهنگی دارند، می‌توانیم مبتنی بر باورهای اجتماعی حرکت کنیم و این موضوع، یک اصل و ضرورت قطعی است.

رئیس کمیته ملی المپیک تصریح کرد: دوران بخشنامه، اجبار، الزام، نیروی انتظامی و در چهارراه‌ها ایستادن گذشته است و ما با داشتن صدا و سیما، حوزه علمی، آموزش و پرورش، دانشگاه، پژوهشگاه‌های مختلف در سراسر کشور و ۵۰۰ پژوهشگاه و پژوهشکده در قم، باید بتوانیم جامعه‌ای با مؤلفه‌های فرهنگی و انسان‌هایی با زیست فرهنگی داشته باشیم که اگر نداریم دلیل آن ناکارآمدی ما در چهار دهه گذشته است. چون همیشه در بستر بایدها با جامعه سخن گفته‌ایم، درحالی‌که اندیشه امام و رهبری معظم انقلاب مبتنی بر باورهاست. تمام صحیفه را مطالعه کنید یک پیام دارد؛ «ما در جامعه به دنبال ساخت فرهنگ هستیم» و مؤلفه‌های انسان فرهنگی را هم حضرت امام (ره) به خوبی مطرح می‌کند. وی در خاتمه سخنانش به ۱۰ مورد از شاخص‌های زیست فرهنگی اشاره و با طرح مثال‌هایی آنها را برای حضار توضیح داد.

در پایان این مراسم از اعضای بازنشسته پژوهشگاه که در سه سال اخیر به افتخار بازنشستگی نائل آمده‌اند، با اهداء لوح یادبود، تجلیل به عمل آمد و مجری‌گری مراسم نیز برعهده داریوش کاردان مجری باسابقه صدا و سیما بود.



پیام تبریک دکتر قبادی به مناسبت روز کارمند

کارکنان عزیز پژوهشگاه، روز کارمند بر شما مبارک باشد. انسجام و کارآمدی هر سازمان در گرو زحمت، نوآوری و تعهد کارکنان آن است و برای سازمان نمی‌توان فخری بالاتر از آن تصور کرد که در آن، کارکنان صاحب دانش، فضیلت و علاقه به انجام اموری مشغول باشند که رفع دردها و مشکلات اجتماعی کشور را هدف قرار داده است. مفتخرم که در این سال‌ها، با همکاری شما فرهیختگان و دلسوزان، با وجود تنگناها و دشواری‌های کار اجرایی و پژوهشی توانسته‌ایم گامی در جهت کمک به سیاست‌گذاران و مدیران و هموطنان عزیز برداریم و در راه تلاش برای اعتلای نام ایران سربلند، از کوششی فروگذار نکنیم.

روز کارمند، که مزین به یاد و خاطره شهیدان مظلوم دولت جمهوری اسلامی، شهید رجایی و شهید باهنر است، فرصتی است برای قدردانی از زحمات و خدمات ارزشمند شما کارمندان عزیز پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی که خالصانه دل در گروی رفع کاستی‌ها و شکوفایی توانمندی‌های سازمانی و ملی دارید و این دغدغه را در فعالیت‌های خود به خوبی نمودار می‌سازید.

اینجانب ضمن تبریک این روز خجسته، آرزو می‌کنم که بتوانیم در کنار یکدیگر، همت خویش را بیش از پیش به ارتقای سطح رفاه، آرامش و امنیت شهروندان ایرانی معطوف داریم و در راه استمرار آرمان‌های انقلاب اسلامی، دغدغه‌های حضرت امام خمینی (ره) و رهنمودهای مقام معظم رهبری و تثبیت عزت جمهوری اسلامی ایران تلاش کنیم.



باید اهلّیت، آمادگی، صلاحیت و ظرفیت پیدا کنیم تا امام علی (ع) با ما گفتگو کند

جلسه هماهنگی بخش‌های مختلف علمی و اجرایی سومین کنگره بین‌المللی امام علی پژوهی (ع) روز شنبه ۱۳۹۸/۶/۱۶ در دفتر ریاست پژوهشگاه برگزار شد.

دکتر حسینعلی قبادی، رئیس کنگره، در ابتدای جلسه ضمن عرض تسلیت به مناسبت ایام سوگواری سرور و سالار شهیدان حضرت اباعبدالله الحسین و قدردانی از همکاری اعضای مرکز تحقیقات امام علی (ع) گفت: تبدیل چنین همایش‌هایی به یک «رخداد»، بسیار مهم است و راه‌های انجام این اقدام فراهم شده است و ما باید بیش از این روی جنبه‌های انسانی و جهانی امام علی (ع) تمرکز کنیم. اگر قرار است یک آکادمی در خور شأن پژوهشگاه علوم انسانی وارد این موضوع شود، باید فلسفه ورود آن بیان شود و به جنبه‌های انسانی و جهانی آن در مرکز توجه قرار گیرد.

دکتر قبادی با اشاره به اینکه جشنواره امام علی پژوهی به یک رخداد علمی و عینی در قالب کنگره تبدیل شده است، خواستار توجه به ابعاد انسانی و جهانی امام علی (ع) در روند سیاستگذاری خروجی این کنگره شد و گفت: امسال هم بحث پدیده صلح در اندیشه و سیره امام علی (ع) «بازخوانی گفتمان با رویکردی جهانی ناظر بر چالش‌های امروز و طرحی برای فردا» عظمت آینده‌نگرانه انسانی به امام علی (ع) و آثار جاودانه آن امام همام است. امام علی (ع) در نهج‌البلاغه دعوت کرده است که قرآن را به نطق در بیاوریم. یعنی قرآن چطور با ما حرف بزند؟ باید اهلّیت، آمادگی، صلاحیت و ظرفیت پیدا کنیم تا امام علی (ع) با ما حرف بزند اما چگونه؟

به نظر می‌رسد کلام امام علی (ع) را می‌توان به‌عنوان یک متن به شمار آورد؛ متنی که ساختار دارد، وجه معرفتی دارد، وجه اجتماعی دارد، وجه فرهنگی و ... دارد. پس حتماً مخاطب ویژه هم دارد. همانگونه که امام علی (ع) در خطبه ۱۲۵ نهج‌البلاغه می‌فرماید:

هَذَا الْقُرْآنُ إِنَّمَا هُوَ خَطٌّ مَسْطُورٌ بَيْنَ الدَّقَّتَيْنِ لَا يَنْطِقُ بِلِسَانٍ وَلَا يَدُّ لَهُ مِنْ تَرْجُمانٍ وَإِنَّمَا يَنْطِقُ عَنْهُ الرَّجَالُ. قرآن خطی است نوشته شده که میان دو جلد قرار گرفته، با زبان سخن نمی‌گوید و ناگزیر به مفسری نیازمند است، و این اشخاصند که از جانب آن سخن می‌گویند.

در بخشی از خطبه ۱۴۷ تصریح می‌کنند که مخاطب بودن قرآن اهلّیت می‌خواهد: فَإِنَّهُمْ عَيْشُ الْعِلْمِ، وَ مَوْتُ الْجَهْلِ، هُمْ الَّذِينَ يُخْبِرُكُمْ حُكْمُهُمْ عَنْ عِلْمِهِمْ، وَصَمَتُهُمْ عَنْ مَنْطِقِهِمْ، وَ ظَاهِرُهُمْ عَنْ بَاطِنِهِمْ، لَا يَخَالِفُونَ الدِّينَ، وَلَا يَخْتَلِفُونَ فِيهِ، فَهُوَ بَيْنَهُمْ شَاهِدٌ صَادِقٌ، وَ صَامِتٌ نَاطِقٌ.



و پیمان قرآن را محکم نخواهیم گرفت تا آنکه پیمان شکنان را بشناسید، و بدان چنگ نتوانید زد تا آنکه رهاکنندگان آن را بشناسید. پس همه این حقایق را نزد اهلش بجوید، که آنان زنده دارندگان علم و میراندگان جهل اند. آنانند که گفتار حکیمانه آنان از دانششان، و سکوت آنها از گفتارشان، و برون آنان از درونشان شما را خبر می دهد، نه با دین مخالفت می ورزند و نه در آن اختلاف کنند. دین در میان آنان گواهی صادق و خامشی گویاست.

امام محمد باقر (ع) هم اهلیت و صلاحیت مخاطب واقع شدن قرآن را گوشزد می فرماید:
امام باقر (ع) خطاب به قتاده بن دعامة: فقال أبو جعفر (ع): ويحك يا قتاده إنما يعرف القرآن من خوطب به.
(کلینی، الکافی، ج ۸ ص ۳۱۲)

رئیس پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی تأکید کرد: با کشف و تحلیل روشمند و عالمانه مسائل و چالش های امروز و عرضه آن به نهج البلاغه و دیگر آثار و معارف امام علی (ع) می توانیم پاسخ هایمان را پیدا کنیم که امیدوارم در سومین کنگره بین المللی امام علی پژوهی (ع) تا حدود زیادی براساس این اهداف گام برداریم.

در ادامه دکتر سید سجاد علم الهدی، دبیر علمی کنگره و رئیس مرکز تحقیقات امام علی (ع)، به دو ویژگی مهم این دوره از کنگره پرداخت: اول بالاتر از انتظار بودن سطح مشارکت علمی دانشمندان و پژوهشگران در تولید آثار علمی و جدید. دوم اینکه با توجه به مشارکت گسترده پژوهشگران خارجی از حدود بیست کشور جهان می توان به این واقعیت اشاره کرد که یک کنگره بین المللی به معنای واقعی آن در حال برگزاری است.

سپس محمدعلی معتضدیان، دبیر اجرایی کنگره به ارائه گزارش از روند امور کنگره پرداخت که شامل اشاره به تشکیل سه جلسه شورای سیاست گذاری، پنج جلسه کمیته علمی و آغاز فرایند فراخوان آثار با طراحی پوستر سه زبانه کنگره می شد. وی همچنین به توضیح فرایند ثبت نام، دریافت آثار، ارسال آثار برای داوری و تلاش ها برای ارسال پوسترها براساس ظرفیت های خوب روابط عمومی، بانک اطلاعاتی امام علی (ع) پژوهان، جامعه المصطفی و سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی اشاره کرد. بهره جویی از امکانات و همکاری مؤثر بخش اداری و پشتیبانی و دبیرخانه پژوهشگاه برای ارسال فیزیکی پوستر فراخوان به ۱۵۰ نهاد، مرکز، دانشگاه و سازمان های داخلی و بین المللی از دیگر موضوعاتی بود که وی به آن اشار کرد.

وی همچنین همکاری خوب بخش های مختلف علمی و اجرایی کنگره را موجب مشارکت فراگیر اندیشمندان، پژوهشگران و اعضای هیأت علمی ۲۵ دانشگاه داخلی و ۱۲ دانشگاه خارجی برشمرد.



دکتر قبادی در جلسه شورای بررسی متون:
بیانیه گام دوم، نقطه عزیمت شبکه نخبگانی علوم انسانی پژوهشگاه به مؤسسات علمی
نسل چهارم و اثرگذار در عرصه سیاستگذاری هاست

دویست و نهمین جلسه شورای مرکزی شورای بررسی متون و کتب علوم انسانی صبح روز پنج شنبه ۷/۶/۱۳۹۸ در سالن اندیشه پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی برگزار شد و یکی از دستوره‌های این جلسه، بیانیه گام دوم و آینده علوم انسانی و شورای بررسی متون بود.

دکتر حسینعلی قبادی، رئیس پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی در ابتدای این جلسه، فرا تحلیلی برمفاد بیانیه راهبردی رهبر معظم انقلاب اسلامی در چهلمین سالروز پیروزی انقلاب اسلامی ارائه کرد و اظهار داشت: بیانیه گام دوم، عزیمت‌گاهی برای ورود شبکه نخبگانی علوم انسانی پژوهشگاه به مؤسسات علمی نسل چهارم و اثرگذار در عرصه سیاستگذاری هاست.

وی تأکید کرد: شبکه نخبگانی شورای بررسی متون که متشکل از ۳ هزار نفر از اساتید سراسر کشور است یکی از نموده‌های اجابت به بخش علم و پژوهش این بیانیه است.

دکتر قبادی ابعادی از بیانیه گام دوم را که ناظر به حوزه علوم و فرهنگ به‌ویژه عرصه علوم انسانی بود در این جلسه تشریح و صحبت‌های خود در این خصوص را در ۴ بخش بنیان‌ها، مشخصه‌ها، الزامات و جمع‌بندی مطرح کرد.

رئیس شورای بررسی متون در این خصوص خواستار بازشناسی موقعیت شورای بررسی متون و باز تعریف اثربخشی و تعمیق آن، تبدیل نقد کتاب به نقد جریان‌شناسی فکری، مکاتب فکری و کلان نظریه‌ها، خلق راهبرد برای منابع درسی توسعه‌مند، تبدیل پژوهش‌های فردی به جمعی و گروهی برای اهداف علمی بزرگتر و پژوهش‌های انتقادی مسأله‌مند، خلق آثار فاخر و ماندگار و خلق راهبرد و راهکار برای توسعه‌مندی منابع درسی از طریق خلق آثار فاخر ماندگار به صورت دسته‌جمعی شد.



در گفتگو با دکتر کریمی مطهر:

اثربخشی فعالیت‌های شورای بررسی متون و کتب علوم انسانی

به مناسبت بیستمین سال ابلاغ نامه مقام معظم رهبری به وزیر وقت علوم مبنی بر تأسیس شورای بررسی متون در پژوهشگاه علوم انسانی در تاریخ ۱۳۷۸/۲/۵، گفتگویی با دکتر جان‌اله کریمی مطهر، دبیر این شورا داشتیم که در ادامه از نظر می‌گذرد:



* لطفاً جایگاه شورای بررسی متون را تشریح بفرمایید.

در پی تأکيدات مکرر مقام معظم رهبری در خصوص توجه به تولید علم، تلاش برای تشکیل شورای بررسی متون و کتب علوم انسانی در سال ۱۳۷۴ در پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی آغاز شد و مقدمات تأسیس آن با ابلاغ وزیر محترم وقت فرهنگ و آموزش عالی فراهم شد و تشکیل آن در تاریخ ۱۳۷۴/۹/۱۴ در پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی به تصویب رسید.

شورای بررسی متون و کتب علوم انسانی از همان آغاز فعالیت به دلیل عنایت مقام معظم رهبری به مسئله اسلامی

شدن دانشگاه‌ها، سیاست‌های خود را (در آن شرایط)، متوجه کمک به رشد تفکر انتقادی در تولیدات علمی دانشگاهی نمود و به این نتیجه رسید که تولید علم در حوزه علوم انسانی بدون توجه به نقد وضعیت موجود، کمکی به ارتقای علم در کشور نخواهد کرد. بر همین اساس اهداف و سیاست‌های شورا بر نقد متون درسی و کمک درسی دانشگاه‌ها متمرکز شد. اما در کنار نقد و بررسی متون درسی، موضوعات زیر جزء برنامه‌هایی بود که در دستور کار شورا قرار گرفت:

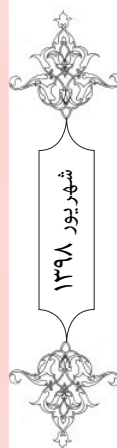
- توسعه فرهنگ نقد علمی؛
- تقویت جایگاه علوم انسانی؛
- نقد کتب و متون دانشگاهی با رویکرد علمی و بومی؛
- کمک به اصلاح برنامه‌های آموزشی حوزه علوم انسانی؛
- کمک به اصلاح سرفصل‌های دروس با توجه به نیازهای بومی و ضرورت‌های فرهنگ اسلامی.

شورای بررسی متون و کتب علوم انسانی و گروه‌های تخصصی آن از آغاز فعالیت خود تاکنون، به‌رغم همه تنگنایهای موجود با اعتقاد راسخ به ضرورت ادامه فعالیت‌های چنین نهاد ارزشمندی تمام همت خود را به توسعه فرهنگ و گفتمان نقد علمی در سطح جامعه دانشگاهی و تولیدات علمی مرتبط با این حوزه گماشته است.

امروزه، رویکرد بومی‌گرایی در علم، تکریم ارزش‌های دینی، انطباق تحقیقات علوم انسانی با نیازهای جامعه و جلب مشارکت دانشگاه‌ها، مراکز آموزش عالی و اساتید سراسر کشور در جهت هم‌افزایی در فعالیت‌های شورا مورد تأکید است و این شورا توانسته است با بهره‌گیری از شبکه‌نخبگانی به فعالیت‌هایی در حوزه نقد علمی، ترویجی‌سازی فرهنگ نقد و فعالیت پژوهشی در حوزه نقد به منظور غنی‌سازی، کارآمدسازی و روزآمدسازی بیشتر منابع درسی بپردازد.

* این شورا هم‌اکنون دارای چند گروه تخصصی است؟

شورای بررسی متون هم‌اکنون دارای ۱۷ گروه تخصصی در حوزه‌های مختلف علوم انسانی است. اعضای این گروه‌ها متشکل از استادان حوزه و دانشگاه و سایر مراکز علمی سراسر کشور هستند. این گروه‌های تخصصی عبارتند از: اقتصاد، انسان‌شناسی، باستان‌شناسی، تاریخ، روان‌شناسی، روش‌شناسی علوم انسانی، زبان و ادبیات عربی، زبان و ادبیات فارسی، زبان‌شناسی، زبان‌های خارجی، علوم اجتماعی، علوم تربیتی، علوم سیاسی، فلسفه و کلام، فقه و حقوق، مدیریت، و هنر.



* دربارهٔ دو دیدار اعضای شورا با مقام معظم رهبری توضیحاتی بفرمایید.

اعضای شورای بررسی متون جهت گزارش فعالیت‌های این نهاد علمی، دو دیدار با مقام معظم رهبری در سال‌های ۱۳۸۵ و ۱۳۹۰ داشتند. مقام معظم رهبری در دو این دیدار رهنمودهای ارزشمندی ارائه کردند. ایشان در دیدار سال ۱۳۸۵ خود تأکید فرمودند:

«این مرکز (شورای بررسی متون و کتب علوم انسانی) خود را موظف بداند برای فراهم کردن مواد لازم برای کتاب، منبع علمی، مرجع علمی که دیگران بتوانند کتاب بنویسند یا خود این مجموعه بخواهد از افراد که بنویسند؛ منبع علمی فراهم کنند. ان شاء الله یک مقطع جدیدی را تعریف کنید، برای اینکه محصول این جمع به بازار کار بیاید، یک حرکت کلانی باید انجام بگیرد. بالاخره محصول کار آقایان و مجموعه باید بتواند به کار بازار علمی بیاید، یا کتاب درسی بشود یا مرجع استادان علوم انسانی در همه رشته‌ها و در همه بخش‌ها قرار گیرد که بتوانند به آن مراجعه کنند».

بنابراین اعضا و گروه‌های تخصصی شورا در برنامه‌های فعالیت‌های خود در آینده رهنمودهای مقام معظم رهبری را مدنظر قرار داده و سعی کرده‌اند که فعالیت‌های شورا محصول‌محور باشد و در جهت تولید منابع اصیل دانشگاهی حرکت نماید. در این راستا کتاب‌های فاخری در سال‌های اخیر در جهت رفع خلأ منابع و مآخذ آموزشی تولید شده است.

* جلسهٔ شورا با دکتر غلامی وزیر علوم، تحقیقات و فناوری چگونه بود؟

دکتر منصور غلامی، وزیر محترم علوم، تحقیقات و فناوری با حضور در میان اعضای شورای بررسی متون در دویستمین جلسهٔ این نهاد علمی که در تاریخ سوم آبان‌ماه ۱۳۹۷ در دفتر حوزهٔ وزارتی وزارت علوم، تحقیقات و فناوری برگزار شده بود، چنین اظهار داشت:

«تشکیل شورای بررسی متون و فعالیت ۲۲ ساله آن تبلوری از فرایند نهادینگی نقد و نقادی در ساختار رسمی وزارت علوم، تحقیقات و فناوری و در سطح تک تک دانشگاه‌های کشور بوده است. نیروهای فرهیخته دانشگاهی و حوزوی که در این سازمان گسترده سازماندهی شده‌اند، نماد شبکه نخبگانی کشور به شمار می‌روند».

البته دکتر غلامی، وزیر محترم علوم، تحقیقات و فناوری همچنین پیش از این در جشنوارهٔ نقد کتاب شورای بررسی متون نیز در جمع اعضای شورا حضور یافت و به ارائه سخنرانی پرداخت و جایگاه شورا در فضای دانشگاهی کشور را تبیین کرد.

* لطفاً گزارشی از طرح‌ها و برنامه‌های شاخص این شورا بفرمایید؟

فعالیت‌های شورای بررسی متون طی سالیان اخیر در چند بخش قابل ارائه است:

۱- **نقد کتب و متون دانشگاهی و غیردانشگاهی علوم انسانی:** شورای بررسی متون و کتب علوم انسانی از آغاز فعالیت خود تا کنون تعداد ۶۳۰۰ عنوان کتاب ملی و جهانی را در رشته‌های مختلف علوم انسانی و از انتشارات دانشگاهی و غیردانشگاهی نقد و بررسی کرده است که بخش عمده‌ای از این نقدها در قالب نقدنامه‌های تخصصی و نشریهٔ پژوهشنامه انتقادی متون و برنامه‌های علوم انسانی منتشر شده و یا در دست انتشار است.

۲- **انتشار نقدنامه‌های تخصصی:** شورای بررسی متون علاوه بر انتشار ماهنامهٔ علمی و پژوهشی پژوهشنامه انتقادی، به طور سالیانه نقدنامه‌های تخصصی مختص هر گروه تخصصی را منتشر می‌کند که از آغاز فعالیت تا کنون تعداد ۴۵ کتاب نقدنامه گروه‌های تخصصی منتشر شده و ۱۵ نقدنامه نیز زیر چاپ است.

۳- **نشریهٔ علمی پژوهشی نقد کتاب:** در کنار سازمان علمی و اجرایی شورا، ماهنامهٔ علمی پژوهشی پژوهشنامه انتقادی متون و برنامه‌های درسی (نامه علوم انسانی سابق) قرار دارد که نشریهٔ علمی و پژوهشی رسمی این شورا بوده و بخش قابل توجهی از محصولات علمی و پژوهشی گروه‌های تخصصی شورا در قالب مقالات علمی پژوهشی در آن عرضه می‌شوند. در این فصلنامه مقالات نقد متون درسی، معرفی متون و دیدگاه‌های مربوط به علوم انسانی منتشر می‌شود و تا کنون به شماره ۶۶ رسیده است. این نشریهٔ علمی پژوهشی همچنین ویژه‌نامهٔ اقتصاد مقاومتی را در سال ۱۳۹۵ منتشر کرده است.

۴- **تألیف کتاب:** بخشی از فعالیت‌های گروه‌های شورا به تهیه و تدوین و تألیف کتب حوزهٔ علوم انسانی و تأمین منابع متناسب با رویکردهای خاص شورا اختصاص یافته که تا کنون منشورات شورا بیش از ۲۰۰ اثر است که بخشی از آن مربوط به طرح‌های تالیفی کتاب است و طرح‌هایی با عنوان مبانی تفکر اجتماعی در اسلام، مدیریت و رهبری در مدارس، نقد صیrfیان، مبانی حقوق عمومی، مدیریت و رهبری با رویکرد اسلامی، مجموعهٔ دوجلدی دفتر تربیت، اصول مالی بین‌الملل، بازشناسی فرم معماری توسط این شورا در طول سال‌های اخیر چاپ شده است.



۶- برگزاری همایش‌ها، کارگاه‌ها

بخشی از گستره شبکه نخبگانی داوران شورای بررسی متون

دانشگاه	تعداد
دانشگاه تهران	250
دانشگاه علامه طباطبائی	190
دانشگاه شهید بهشتی	105
دانشگاه شیراز	85
دانشگاه علامه طباطبائی و معارف اسلامی	75
دانشگاه تربیت مدرس	70
دانشگاه اوردوسی مشهد	70
دانشگاه خوارزمی	70
دانشگاه آزاد اسلامی	65
دانشگاه آزاد ایروان	60
دانشگاه امام صادق (ع)	55
دانشگاه تبریز	45
دانشگاه شهید چمران اهواز	40
دانشگاه امام حسین	35
دانشگاه علامه محمد باقر	30
دانشگاه علامه محمد باقر	25
دانشگاه علامه محمد باقر	20
دانشگاه علامه محمد باقر	15
دانشگاه علامه محمد باقر	10
دانشگاه علامه محمد باقر	10
دانشگاه علامه محمد باقر	10
دانشگاه علامه محمد باقر	10

۷- برگزاری جلسات نقد و بررسی متون: شورای بررسی متون به منظور بررسی مسائل علوم انسانی کشور تاکنون به طور مستمر و پیوسته، جلسات تخصصی در گروه‌های هفده‌گانه خود برگزار نموده که نتایج آن در شناخت معضلات علوم انسانی و معرفی راهکارهای آن و تقویت جریان نقد در حوزه علوم انسانی مؤثر بوده است.

۸- راه‌اندازی سایت شورا: سایت شورای بررسی متون و کتب علوم انسانی به نشانی اینترنتی www.shmoton.ir فرصتی را فراهم کرده است که از طریق آن می‌توان به فضای نقد علمی دسترسی پیدا کرد. یکی از مهمترین بخش‌های سایت شورای بررسی متون و کتب علوم انسانی، «سامانه نقد نقد» است. این سایت برای همگان قابل دسترسی است. شورا جهت دسترسی همگان به بانک نقد کتاب‌های علوم انسانی، سامانه‌ای با عنوان «نقد نقد» راه‌اندازی نموده است تا آثار نقد شده توسط گروه‌های تخصصی مورد توجه، بررسی و نقد مجدد همه پژوهشگران قرار گیرد و این مسیر به تقویت گفتمان نقد آثار علوم انسانی بینجامد.

* اثربخشی فعالیت‌های شورای بررسی متون را چگونه ارزیابی می‌کنید؟

اثربخشی عبارت است از میزان نیل به اهداف تعیین شده که با توجه به میزان همسو بودن فعالیت فعلی شورا با اهداف تعیین شده آن سنجیده می‌شود. بنابراین، منظور از اثربخشی شورای بررسی متون، انطباق عملکرد با اهداف آن است. اثربخشی شورای بررسی متون و کتب علوم انسانی در چارچوب نقد متون درسی، کمک به رشد تفکر انتقادی و نوآوری در تولید متون دانشگاهی، متمرکز است.

مؤلفه‌های اثربخشی شورای بررسی متون عبارت است از:

- تعامل با مؤلفان و ناشران؛

- برگزاری نشست‌های نقد کتاب با حضور مولف و ناشر؛

- تقویت شبکه خبگانیه و مرجعیت نقد علمی در حوزه علوم انسانی؛

- جلب مشارکت نهاده‌ها، انجمن‌های علمی، دانشگاه‌ها و مراکز آموزش عالی؛

- ترویج گفتمان نقد علمی، در دانشگاه‌ها و مراکز علمی، سراسر کشور؛

- دریافت بازخورد از ناشران، مؤلفان و مخاطبان؛

- تغییر در سرفصل دروس دانشگاهی، اصلاح منابع دانشگاهی و کتاب‌های درسی، راه یافتن مقوله نقد به آیین‌نامه‌های دانشگاهی و ...

برنامه‌هایی که در حوزهٔ اثربخشی توسط این شورا انجام شده عبارتست از: نشست نقد، گفتمان نقد، تألیفات مرجع، ارتباطات بین‌المللی، تعامل با ناشران و مؤلفان، نقد متون، توسعه شبکه نخبگانی و تدوین مقالات انتقادی.

نمودهای اثربخشی شورا در حوزهٔ مرجعیت علمی، همکاری و جلب مشارکت ۲۶۰۰ تن از اساتید ۲۳۰ دانشگاه و مرکز علمی در سراسر کشور است. این میزان مشارکت را می‌توان نوعی حضور این شورا در دانشگاه‌های مختلف و نیز مشارکت هم‌دلانه و اثربخش دانشگاه‌ها در حوزهٔ نقد علمی به حساب آورد.

از دیگر نمودهای اثربخشی می‌توان به پاسخ ناشران و مؤلفان به شورا اشاره کرد. از دانشگاه‌های تهران، علامه طباطبائی، تربیت مدرس، سمت، بوستان کتاب، انتشارات آستان قدس رضوی، پیام نور، مؤسسهٔ انقلاب اسلامی و ... نامه‌های بسیار امیدبخشی به شورا ارسال شده است و ما از این طریق بازخوردهای بسیار خوبی از اثربخشی فعالیت‌های شورا دریافت کرده‌ایم.

یکی دیگر از اقدامات اثربخش شورا، در خصوص تولید مقالات مرجع است به گونه‌ای که ماهنامهٔ علمی- پژوهشی پژوهشنامهٔ انتقادی متون و برنامه‌های علوم انسانی تا کنون به تعداد ۶۶ شماره رسیده است و اینک به یکی از مجلات معتبر علمی در حوزهٔ نقد تبدیل شده است. این ماهنامه، تنها ماهنامهٔ نقد دارای رتبهٔ علمی پژوهشی کشور است و در ارزیابی‌های وزارت علوم دو بار موفق به کسب رتبه A+ شده و به عنوان نشریهٔ برتر نقد و مقالات برگزیده نقد در جشنوارهٔ فارابی برگزیده شده است. ۴ مقاله از این نشریه در سال ۱۳۹۶ و همچنین ۷ مقاله از آن در سال ۱۳۹۷ به‌عنوان مقاله برتر نقد در جشنوارهٔ سالیانهٔ نقد کتاب انتخاب شده است.



* آیا شورای متون در حوزهٔ بومی‌سازی و رویکردهای دینی فعالیت‌های موثر و برجسته‌ای داشته است؟

بله، در سال‌های اخیر مسئله بومی‌سازی، تحول در علوم انسانی و حرکت علوم انسانی به سمت اسلامی شدن همواره از موضوعات مطرح در نظام جمهوری اسلامی بوده است. در اسناد بالادستی و سیاست‌های کلی نظام و برنامه‌های ابلاغی از سوی سیاستگذاران و تصمیم‌گیرندگان سیاسی و فرهنگی کشور به طور مستمر به این موضوع تاکید گردیده و نظام آموزش عالی، مراکز علمی و دانشگاهی کشور مکلف به اجرای چنین برنامه‌ای شده‌اند. هدف آن است تا دانش و معرفت اسلامی منطبق با سیاست‌های کلی نظام تبیین گردد. ابعاد هستی‌شناختی، معرفت‌شناختی و روش‌شناختی این نوع دانش از دانش سکولار غربی متمایز است و هدف شورا این است که زمینه‌های تمایز میان دو دسته از علوم انسانی اسلامی و علوم انسانی غربی نمایان گردد. برخی از مهمترین اقدامات شورای بررسی متون در حوزهٔ بومی‌سازی علوم انسانی را می‌توان در چارچوب موارد ذیل معرفی نمود:



- **تأسیس گروه روش‌شناسی علوم انسانی:** گروه روش‌شناسی علوم انسانی، در کنار فعالیت‌های همیشگی و تعریف شده آن در شورای بررسی متون، شامل نقد کتب ملی و جهانی، برگزاری کارگاه‌ها، سخنرانی‌ها و نشست‌ها (از جمله نشست مشترک با مجمع عالی حکمت اسلامی که سال ۹۷ برگزار شد)، اقدام به برگزاری سلسله نشست‌هایی تحت عنوان آسیب‌شناسی روش‌شناسی در علوم انسانی کرده است.

این سلسله نشست‌های خصوصی، با حضور اعضای کمیته روش‌شناسی که از چهره‌های بسیار شاخص علوم انسانی بوده و هر یک در یکی از رشته‌های علوم انسانی صاحب نظر و متخصص روش‌شناسی هستند، برگزار می‌شود و در آن مشکلات و مسائل موجود مرتبط با روش در رشته‌های مختلف علوم انسانی مطرح شده و مورد بحث و بررسی قرار می‌گیرد. هدف از برگزاری این نشست‌ها، یافتن راهکارهای مناسب، جهت پر کردن خلأهای موجود و رفع نواقص و کاستی‌ها و اصلاح بدفهمی‌های رایج در باره چپستی روش و نیز توجه دادن به اهمیت فهم صحیح و کاربردی در مطالعات نظری و راهبردی است. در همین راستا، کمیته روش‌شناسی درصدد فراهم آوردن زمینه جهت تألیف متون دانشگاهی معتبر و مرجع است.

- **همکاری با نهادهای هم سو و با مأموریت‌های مشترک:** شورای بررسی متون با نگاهی هم افزایانه، همکاری نزدیکی با نهادهای پژوهشی دینی و انقلابی، شورای تحول علوم انسانی و سایر مراکز دارد؛ به گونه‌ای که جلب همکاری نهادهای پژوهشی دینی و انقلابی همانند پژوهشگاه فرهنگ و ارتباطات اسلامی، پژوهشگاه بین‌المللی المصطفی، پژوهشگاه باقرالعلوم، دانشگاه امام حسین(ع) و حوزه‌های علمیه صورت گرفته است.

همچنین دبیرخانه و گروه‌های تخصصی شورا با انجمن‌های علمی مدیریت، ادبیات فارسی، تاریخ، زبان‌شناسی، زبان روسی، علوم سیاسی، عربی، روان‌شناسی، مطالعات برنامه درسی، فلسفه تعلیم و تربیت، تکنولوژی آموزشی و ... تعامل نزدیک دارند. وزارتخانه‌هایی همانند وزارت آموزش و پرورش نیز سابقه همکاری خوبی با این شورا دارند؛ به گونه‌ای که درخواست نقد کتب دوره متوسطه از طرف وزارت آموزش و پرورش به این شورا ارائه شد و هم اکنون نیز اعضای هیأت علمی پژوهشگاه مطالعات آموزش و پرورش در بین اعضای گروه‌های تخصصی و داوران شورای بررسی متون می‌باشند. شورا در حوزه ترویجی‌سازی نیز نشست‌های مشترک نقد کتاب با حضور اعضای پژوهشگاه مطالعات آموزش و پرورش برگزار کرده است.

- **مشارکت در بازنگری سرفصل‌های رشته‌های علوم انسانی:** حضور رئیس و اعضاء کمیته تدوین سرفصل‌های دوره کارشناسی و کارشناسی ارشد گروه شورای بررسی متون در جلسات نقد سرفصل‌ها و تعامل استادان و اعضاء کمیته تدوین سرفصل‌ها و گزارش‌های نهایی به وزارت علوم، تحقیقات و فناوری جزو فعالیت‌های این مرکز علمی بوده است.

- **برگزاری همایش‌های سالانه اقتصاد مقاومتی:** اقتصاد مقاومتی از دیگر موضوعات مطرح شده توسط رهبر انقلاب اسلامی در طی سال‌های اخیر بوده است. اقتصاد مقاومتی در امتداد نگاه بومی‌سازی علوم انسانی مطرح می‌شود و فعالیت‌های گروه اقتصاد شورای بررسی متون نیز معطوف به چنین نگاهی است. شورای بررسی متون در حوزه اقتصاد مقاومتی، «مجموعه مقالات اقتصاد مقاومتی» و دو همایش اقتصاد مقاومتی در سال‌های ۱۳۹۵ و ۱۳۹۶ برگزار کرده است. این گروه همچنین «کتاب نقدنامه اقتصاد مقاومتی» شامل نقد ۴۲ کتاب منتشر شده در حوزه اقتصاد مقاومتی را تدوین کرده است. با توجه به اینکه درس جدیدی با عنوان اقتصاد مقاومتی به دروس کارشناسی علوم اقتصادی اضافه شده است، این نقدنامه می‌تواند در معرفی و ارزیابی و همچنین غنای متون اقتصاد مقاومتی نقش مهمی ایفا کند. شورا در سال ۱۳۹۸ «کتاب اقتصاد مقاومتی» را نیز که نتیجه یک طرح پژوهشی بود چاپ و منتشر کرد.

- **نقد و بررسی کتاب‌های شاخص حوزه دفاع مقدس:** گروه ادبیات فارسی شورای بررسی متون در حوزه دفاع مقدس اقدام به برگزاری همایش دفاع مقدس با عنوان «بازشناسی مؤلفه‌ها، فرصت‌ها و چالش‌های ادبیات پایداری» در دانشگاه شهید بهشتی نموده است همچنین سه نشست تخصصی با همکاری بنیاد حفظ آثار و ارزش‌های دفاع مقدس، سازمان ادبیات و تاریخ دفاع مقدس با موضوع توسعه مفهومی در ادبیات پایداری و بررسی آسیب‌شناسانه ادبیات پایداری را در پژوهشگاه علوم انسانی برگزار کرده است. پژوهشنامه ادبیات انقلاب اسلامی و دفاع مقدس، از نتایج سحر، گفتمان فرهنگی، سیاسی و اقتصادی در شعر دفاع مقدس توسط گروه ادبیات فارسی منتشر شده است. این گروه در ادامه فعالیت خود در حوزه دفاع مقدس اقدام به تولید مقالاتی توسط اندیشمندان و اساتید برجسته این حوزه و با عناوینی همانند حکمت الهی در ادبیات پایداری، تحلیل ضرورت توجه به آگاهی فرهنگی - تاریخی (نظام فرهنگی) در عرصه شناخت ادبیات انقلاب اسلامی و دفاع مقدس، ادبیات پایداری در ایران،



بازشناسی مؤلفه‌ها، فرصت‌ها و چالش‌ها، تأثیر و تأثر جنگ و ادبیات داستانی و مقدمه‌های ضروری‌تر از مؤلفه‌ها و چالش‌های مهم‌تر از فرصت‌ها در حوزه ادبیات پایداری کرده است.

- **نقد و بررسی آثار حوزه ادبیات انقلاب اسلامی:** بیش از ۳۰ اثر از مجموعه آثار دفتر نشر معارف که عمدتاً معطوف به ادبیات انقلاب اسلامی بوده در گروه علوم سیاسی شورای بررسی متون مورد نقد و بررسی قرار گرفته است. نتایج این نقد به شکل یک جلد کتاب و در قالب نقدنامه علوم سیاسی در سال ۹۶ منتشر شده است.

- **برگزاری نخستین جشنواره و همایش ملی نقد متون و کتب علوم انسانی:** این رویداد با مشارکت بیش از صد نفر از استادان علوم انسانی در ۳۰ آذر ۱۳۹۶ با حضور دکتر غلامی، وزیر محترم علوم برگزار شد و نتایج آن در یک جلد نشریه پژوهشنامه انتقادی و سه جلد مجموعه مقالات همایش ارائه شد. در روز همایش نیز دو مراسم در سالن اصلی با شرکت حدود ۴۰۰ نفر از میهمانان و ده نشست تخصصی در سالن‌های جانبی همایش برگزار شد. محصول مکتوب این همایش، دوجلد «کتاب مجموعه مقالات» و یک جلد کتاب گزارش همایش با عنوان «دانشگاه، متن، آینده» است.

- **برگزاری همایش حمایت از تولید ملی و کالای ایرانی:** بررسی برنامه‌ها و متون: همایش «حمایت از تولید ملی و کالای ایرانی: بررسی برنامه‌ها و متون» در تاریخ ۲۸ تیرماه ۱۳۹۷ در پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی برگزار شد به موضوعاتی همانند سیاست‌های تقویت کننده تولیدات بخش صنعت ایران، الزامات تحقق شعار حمایت از تولید ملی و کالای ایرانی در سال ۱۳۹۷، سرمایه اجتماعی مصرف کالای ایرانی از منظر افکار عمومی، رفع موانع نهادی در تحقق شعار حمایت از تولید ملی و کالای ایرانی و موضوعاتی از این قبیل پرداخته شد و کتاب مجموعه مقالات این همایش نیز در سال ۱۳۹۸ توسط انتشارات پژوهشگاه علوم انسانی به زیور طبع آراسته شد.

- **نشست گفتمان فلسفی علوم انسانی در چهار دهه پس از انقلاب اسلامی:** شورای بررسی متون و کتب علوم انسانی به مناسبت چهلمین سالگرد انقلاب اسلامی، نشست تخصصی گفتمان فلسفی علوم انسانی در چهار دهه پس از انقلاب اسلامی در پژوهشگاه علوم انسانی برگزار کرد. این نشست با حضور دکتر غلامعلی حداد عادل، دکتر غلامرضا اعوانی، حجت‌الاسلام دکتر حمید پارسا، دکتر محسن جوادی و اعضای هیئت علمی پژوهشگاه علوم انسانی و مدیران گروه‌های تخصصی شورای بررسی متون در بهمن ماه ۱۳۹۷ تشکیل شد که گزارش مکتوب آن در سایت پژوهشگاه علوم انسانی و سایت شورای بررسی متون در اختیار علاقه‌مندان قرار گرفته است.

- **نشست تخصصی گروه ادبیات شورا به مناسبت چهلمین سالگرد پیروزی انقلاب اسلامی:** گروه زبان و ادبیات فارسی شورای بررسی متون در تاریخ ۱۱ بهمن ماه ۱۳۹۷ نشست تخصصی برگزار کرد و در آن به موضوعاتی از این قبیل پرداخت: پیام‌های جهانی در ادبیات انقلاب اسلامی، ادبیات داستانی قبل و بعد از انقلاب اسلامی از دو جنبه موضوع و ساختار، رشد و شکوفایی شعر آیینی پس از انقلاب اسلامی، کارنامه ادبیات پایداری پس از انقلاب اسلامی، جایگاه زنان در شعر انقلاب اسلامی و جریان‌شناسی شعر معاصر پس از انقلاب اسلامی.

* آیا شورای بررسی متون در حوزه بین‌الملل هم فعالیت داشته است؟

گروه‌های زبان‌شناسی و زبان‌های خارجی شورای بررسی متون از کمیته‌های تخصصی زبان و ادبیات فرانسه، روسی، ایتالیایی، اسپانیایی، اردو و انگلیسی برخوردار است که یکی از اقدامات اثربخش این گروه برگزاری همایش بین‌المللی زبان روسی با حضور سفیر روسیه و با مشارکت بیش از ۳۰ اندیشمند خارجی از ۱۰ کشور جهان در سال ۱۳۹۷ است.



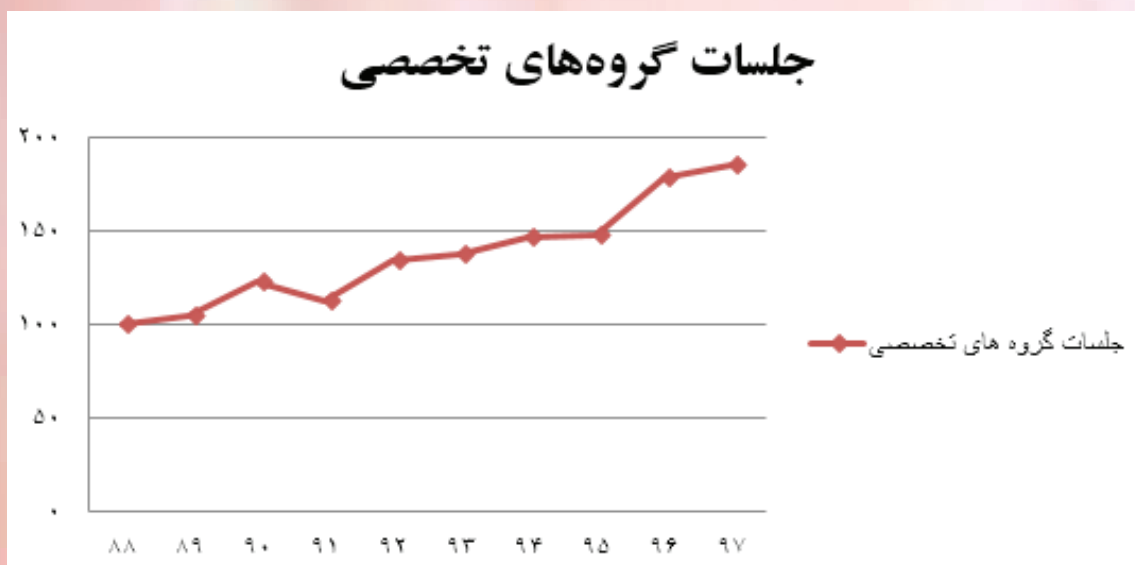
خبر برگزاری این همایش در مجلات و پایگاه‌های تخصصی کشورهای مختلف بازتاب یافت که از جمله آن می‌توان به مجله روسیستیکا استادان زبان و ادبیات روسی بلغارستان، مجله علمی-پژوهشی «Naučnyj dialog» کشور روسیه، بولتن دانشگاه ملی اروسیایی گومیلیوف قزاقستان، مجله رایزنی فرهنگی ایران در روسیه به نام کاروان اشاره کرد. همچنین گزارش این نشست در سایت انجمن اوکراینی استادان زبان و ادبیات روسی و در سایت خبری پارس تودی نیز منتشر شد.



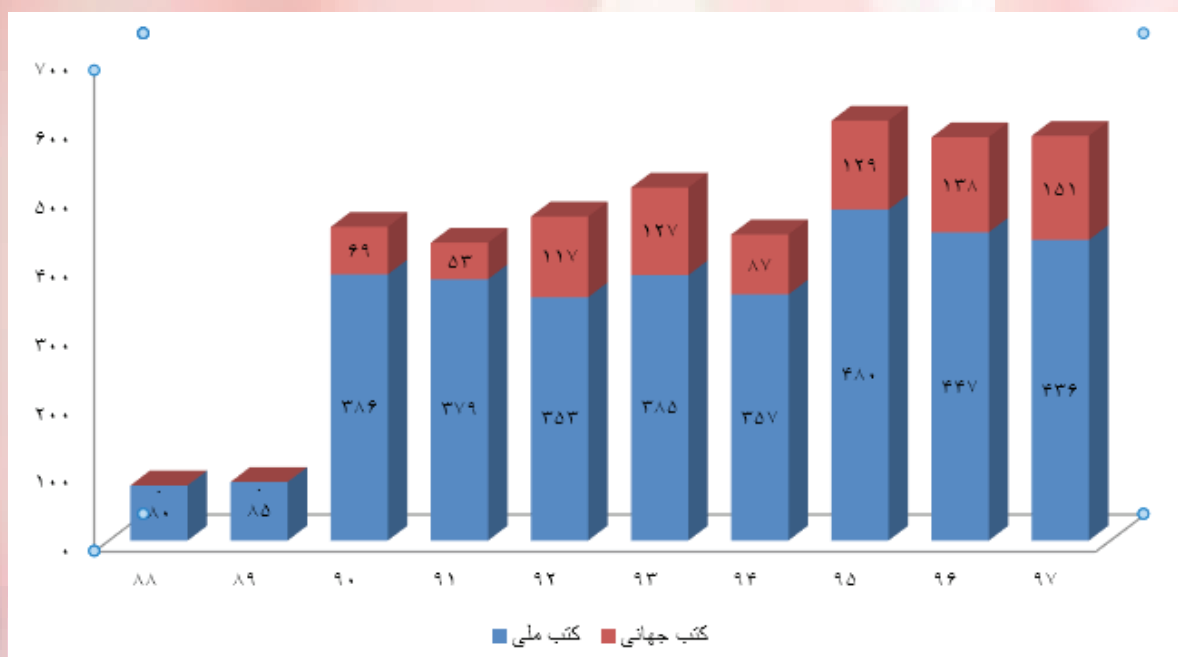
* عملکرد شورای بررسی متون از نظر آماری چگونه ارزیابی می‌کنید؟

نگاهی به فعالیت‌های شورای بررسی متون در یک بازه زمانی ۱۰ ساله به‌خودی‌خود گویایی عملکرد این مرکز علمی طی یک دهه اخیر است. در ادامه مقایسه فعالیت‌های شورای بررسی متون در چند بخش خدمت خوانندگان ارجمند ارائه می‌شود.

۱- **جلسات:** گروه‌های تخصصی شورای بررسی متون طی ۱۰ سال گذشته، ۱۳۷۰ جلسه نقد و بررسی برگزار کرده‌اند که از ۱۰۰ جلسه در سال ۸۸ به ۱۸۵ جلسه در سال ۹۷ رسیده است.



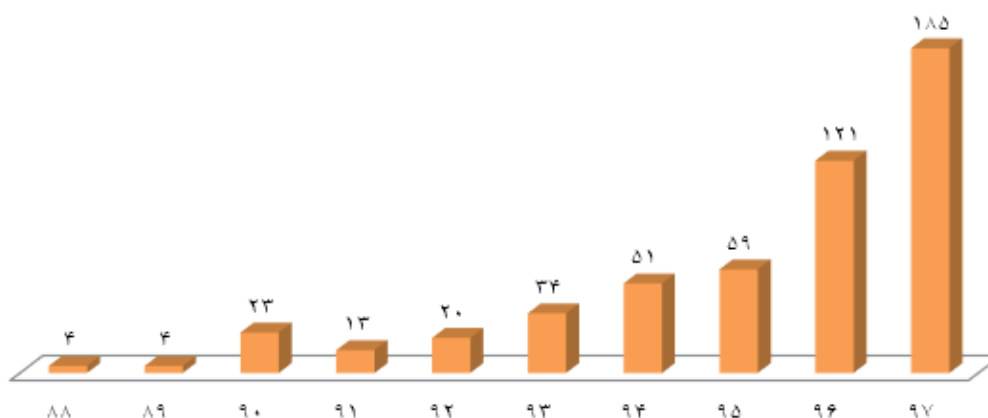
۲- **نقد و بررسی کتب ملی و جهانی:** شورای بررسی متون طی یک دهه اخیر، ۴۲۵۹ کتاب ملی و جهانی را مورد نقد و بررسی قرار داده است که شامل ۳۳۸۸ نقد کتاب ملی و نقد ۸۷۱ کتاب جهانی است. به‌گونه‌ای که این شورا از نقد حدود ۸۰ کتاب در طول هر یک از سال‌های ۸۸ و ۸۹ به نقد بیش از ۴۰۰ کتاب در طول هر یک از سال‌های ۹۷ و ۹۶ دست یافته است. همچنین این شورا که در سال‌های ۸۸ و ۸۹ هیچ‌گونه نقد و بررسی کتب جهانی نداشته است در سال گذشته (۹۷) بیش از ۱۵۰ کتاب جهانی را مورد نقد و بررسی قرار داده است که از جمله این کتاب‌ها می‌توان به فلسفه آلمانی، یادگیری و نسل الکترونیک، آدب المقاومة، الجملة العربیه و المعنی، زیبایی و هنر، عرب و مدرنیته و ادبیات اسپانیایی اشاره کرد.



۳-نشست، کارگاه و همایش های تخصصی: عملکرد شورا در خصوص همایش های تخصصی گروه (به صورت آزاد)، نشست های ویژه تخصصی گروه (با حضور مؤلف و ناقد) و کارگاه های تخصصی شامل بیش از ۵۰۰ فعالیت است که از ۴ نشست، همایش و کارگاه در سال ۸۸ به ۱۸۵ برنامه نشست، همایش و کارگاه تخصصی نقد در سال ۹۷ رسیده است.

۴-مقالات علمی نقد کتاب: شورا طی دوره ۱۰ ساله اخیر، بیش از ۱۱۰۰ مقاله علمی- پژوهشی منتشر کرده است که از ۸ مقاله در سال ۸۸ به ۳۱۰ مقاله در سال ۹۷ رسیده است.

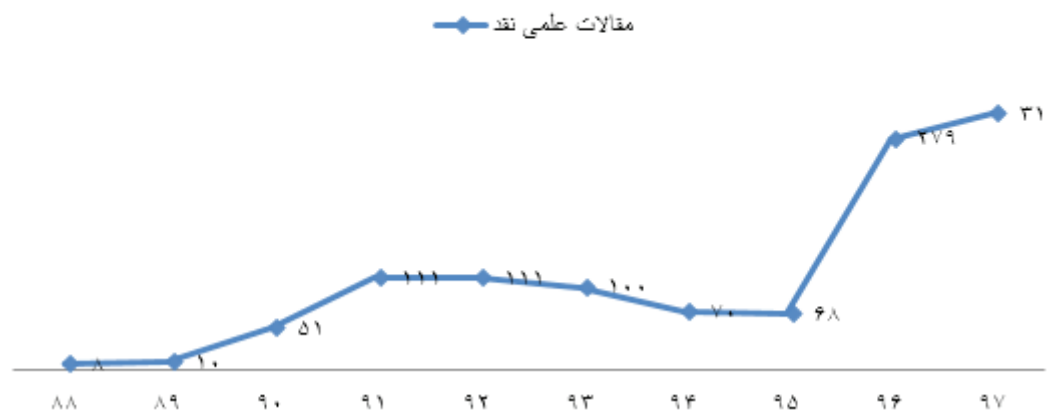
نشست، کارگاه و همایش های تخصصی



۵-یادداشت های انتقادی: شورای بررسی متون در ۱۰ سال اخیر، نزدیک به ۱۴۰۰ یادداشت علمی در حوزه نقد کتاب منتشر کرده است؛ به گونه ای که از حدود ۶۰ یادداشت در هر یک از سال های ۸۸ و ۸۹ به بیش از ۳۰۰ یادداشت انتقادی در طول هر یک از سال های ۹۶ و ۹۷ رسیده است.

شورای بررسی متون در طول یک دهه اخیر، فعالیت های اثربخش دیگری نیز به ثبت رسانده است که از جمله آنها می توان به برگزاری مراسم رونمایی از آثار علمی جدید، برگزاری نشست علمی مشترک با انجمن های علمی و ناشران دانشگاهی، برگزاری کرسی نقد و بیش از ۸۰ تألیف کتاب و منابع درسی در طول یک دهه فعالیت اشاره کرد.

مقالات علمی نقد

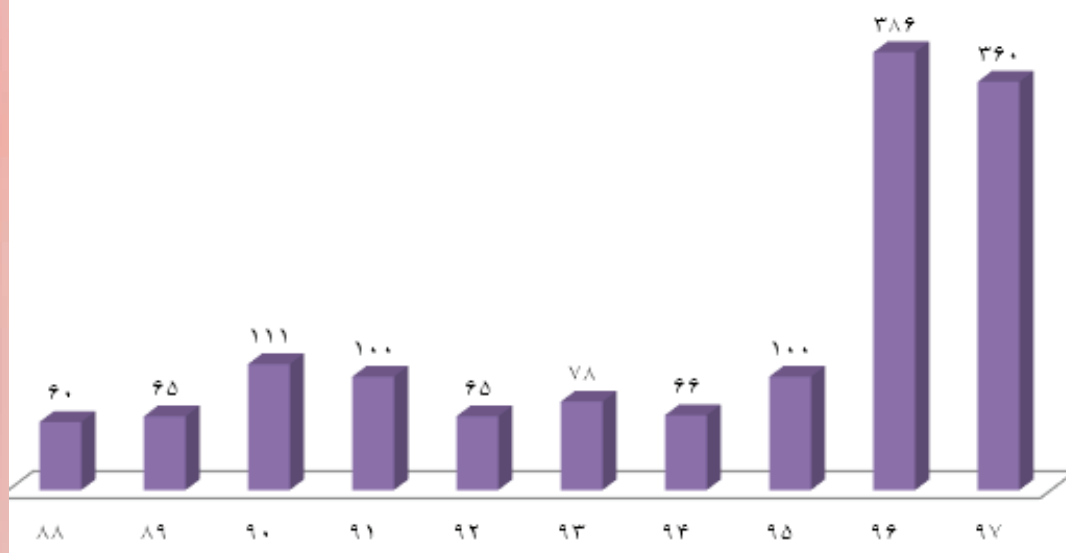


* برنامه شورای بررسی متون در حوزه توسعه فرهنگ نقد و ترویج گفتمان چگونه است؟

شورای بررسی متون در راستای ترویج گفتمان نقد و نقد و بررسی متون و منابع دانشگاهی علوم انسانی نقدنامه‌های تخصصی را منتشر می‌نماید. شورا با فعال‌سازی کمیته کیفی‌سازی نقدنامه‌های تخصصی به دنبال تقویت محتوای یادداشت‌های انتقادی در نقدنامه‌های تخصصی گروه‌های تخصصی است. این رویکرد موجب ارتقای جایگاه نقد از نقد پنهان به نقد آشکار در نقدنامه‌های تخصصی و چرخش از نقدهای بدون نام به یادداشت‌های انتقادی با ذکر نام داور و ناقد شده است.

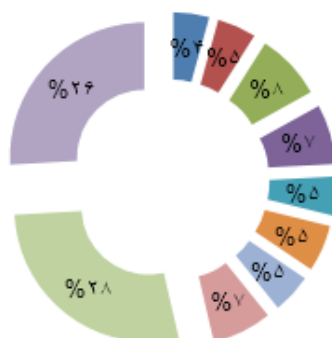
هدف دیگر این شورا، توسعه فرهنگ نقد است. از آنجا که فرهنگ‌سازی و ترویج گفتمان نقد در دانشگاه‌های مختلف یکی از سیاست‌های اصلی شورا است، در این راستا اقداماتی صورت گرفته است. برای نمونه فقط یکی از گروه‌های شورا (گروه علوم تربیتی) اقدام به برگزاری ۶ نشست در دانشگاه‌های علامه طباطبائی، خوارزمی، شهید بهشتی و همچنین اقدام به برگزاری نشست با استادان علوم تربیتی دانشگاه‌های بوعلی سینا، همدان، فردوسی مشهد، علامه طباطبائی، خوارزمی و شهید بهشتی تهران کرده است. این گونه اقدامات شورا موجب تقویت شبکه نخبگانی نقد، تعامل شورا با ناشران و مؤلفان، ترویجی‌سازی نقد و تولید مقالات، کتب و آثار گوناگون انتقادی در حوزه نقد کتاب است.

یادداشت‌های انتقادی



یادداشت‌های انتقادی

■ ۸۸ ■ ۸۹ ■ ۹۰ ■ ۹۱ ■ ۹۲ ■ ۹۳ ■ ۹۴ ■ ۹۵ ■ ۹۶ ■ ۹۷



مبانی فلسفی اندیشه سیاسی امام خمینی (ره)

مفاهیم از پیش نهاده شده در جان آدمیان می‌دانند و معتقدند انسان از همان ابتدای ولادت برخی مفاهیم و حتی گزاره‌هایی را همراه دارد. مهمترین این مفاهیم، مفهوم خداوند به عنوان خالق و حافظ انسان است و مهم‌ترین این گزاره‌ها، استحاله اجتماع نقیضین است. گاهی مدنی بودن را به عنوان ویژگی عمومی انسان‌ها شمرده‌اند مقصود ایشان تمایل انسان‌ها به استخدام دیگران برای رسیدن به منافع خود است. تفسیر امام از فطرت تحت تأثیر نظر مرحوم آیت‌الله العظمی شاه آبادی استاد عرفان ایشان بوده است، و حضرت امام (ره) این نظریه را بسط داده و از آن بهره زیادی برده‌اند. طبق تفسیر ایشان، در انسان یک فطرت اصلی و یک فطرت تبعی وجود دارد. این دو فطرت به واسطه توجه انسان به معنویت است و از آن با عنوان «فطرت مخموره» یاد می‌کنند که خمیره انسان از این فطرت است. انسان به واسطه توجهی که به مادیات دارد، کم‌کم فطرتش پوشیده می‌شود و نتایج دیگری از آن بروز می‌کند که به آن «فطرت محجوبه» می‌گویند.

مقصود از فطرت اصلی مخموره آن است که همه انسان‌ها عشق به کمال مطلق دارند و مقصود از فطرت تبعی مخموره آن است که هر نقضی متنفر

پژوهشکده نظریه‌پردازی سیاسی و روابط بین‌الملل سه شنبه ۲۵ تیرماه ۸۱۳، نشست علمی «مبانی فلسفی اندیشه سیاسی امام خمینی (ره)» را با سخنرانی حجت الاسلام والمسلمین مسیح بروجردی را برگزار کرد. حجت الاسلام والمسلمین بروجردی در شروع سخنانش گفت: سال گذشته جلسه اول مبانی فلسفی اندیشه سیاسی امام خمینی (ره) برگزار و در آن جلسه به بحث «توحید» از مباحث خداشناسی اشاره شد و تأثیر آن در مسائل مثل نه شرقی و نه غربی، نفی اطاعت از غیر خدا، نفی تکبر حاکمان، جلوگیری از دروغ و ریاکاری و مسائل دیگری مطرح و حتی سرایت مبحث توحید به مباحث مربوط به نظام اسلامی به عنوان یک سازمان بیان شد. در آن جلسه متذکر شدیم که مقصود از مبانی فلسفی، فلسفه سیاسی نیست بلکه فلسفه اسلامی است. و بیان شد که دو مبحث فلسفه اسلامی در اندیشه سیاسی امام تأثیر اصلی دارد: توحید و فطرت. و این جلسه درباره فطرت و نقش آن در اندیشه سیاسی امام توضیح داده می‌شود.

وی ادامه داد: اصطلاح فطرت در فلسفه، کلام و تفسیر اسلامی به عنوان یک ویژگی ثابت و جهان‌شمول و غیرقابل تغییر در همه انسان‌ها ذکر شده است ولی در تبیین آن اختلافاتی وجود دارد. برخی «فطرت» را به



است. براساس این دو فطرت، انسان عاشق آن است که هر آنچه را کمال است به بیشترین مراتب آن دارا باشد و هیچ نقصی در آن نباشد.

مسیح بروجردی تأکید کرد: طبق این تفسیر، انسان نه تنها می‌خواهد دارای همه صفات جمال و جلال الهی باشد بلکه می‌خواهد خدا باشد زیرا عاشق کمال مطلق است که دارای همه کمالات باشد و این ویژگی خداوند متعال است. براساس این تفسیر، حضرت امام (ره) از آقای شاه‌آبادی نقل می‌کنند که در دعای سحر که مثلاً می‌خوانیم: «اللهم انی أسألك من جمالك بأجملة و کل جمالك جمیل، اللهم انی أسألك بجمالك کله...» چنین نیست که خداوند را به جمالش قسم بدهیم تا بعداً در انتهای این دعا خواسته‌ای داشته باشیم بلکه مقصود از این دعا آن است که خدایا من جمال تو را درخواست می‌کنم، و در هر قسمت از این دعا صفتی از صفات الهی را درخواست می‌کنیم. همین‌طور در ابتدای دعای کمیل «اللهم انی أسألك برحمتک الّتی وسعت کل شیء و بقوتک الّتی قهرت بها کل شیء و خضع لها کل شیء»

انسان دارای دو جنبه است: از یک سو توجه به معنویت و عالم بالا دارد و از سوی دیگر توجه به مادیت و عالم طبیعت دارد. فطرت مخموره مربوط به توجه انسان به عالم بالا است ولی چون از همان ابتدای کودکی با عالم طبیعت مرتبط بوده و تحت تأثیر آن است، فطرت او پوشیده می‌شود و به جای عشق به کمال مطلق اموری را از عالم طبیعت به عنوان کمال خویش ملاحظه می‌کند و به آن تمایل پیدا می‌کند. مثلاً آنکه علم را کمال می‌داند، عشق به آن پیدا می‌کند تا همه علوم را داشته باشد و آنکه قدرت را برای خود کمال می‌داند عاشق آن است که همه قدرت‌های جهان را تحت سیطره خود درآورد و آنکه ثروت را

برای خود کمال می‌داند عاشق آن است که همه دارایی‌های جهان را به دست آورد.

در حقیقت فطرت افراد باعث عشق به کمال مطلق است و انسان خدا را می‌خواهد ولی به واسطه سیطره طبیعت بر قدرت تشخیص او، فطرت او محجوب می‌شود و خیال می‌کند واقعا عاشق علم و قدرت و ثروت است در حالی که واقعا عاشق خداوند است. هرچه بیشتر انسان به دنیا توجه کند و از معنویت دور شود، بیشتر برای فطرت او حجاب ایجاد می‌گردد.

هدف از بعثت انبیاء رفع حجاب‌ها و توجه دادن به حق تعالی است. مثلاً نماز و حج برای توجه دادن به حق تعالی بوده و روزه برای پرهیز از دنیا است.

این توضیح نظریه فطرت بود، حضرت امام برپایه این نظریه برهانی را برای اثبات حق تعالی و معاد و برخی از معارف اسلامی ترتیب داده‌اند و می‌فرمایند با کمک این برهان بسیاری از معارف را می‌توان اثبات کرد. همچنین ایشان بسیاری از مسائل اخلاقی را براساس فطرت تبیین کرده‌اند و ملکات کمال را معشوق فطرت مخموره و ملکات نقض را معشوق فطرت محجوبه دانسته‌اند. حضرت امام (ره) مباحث فطرت را در جاهای مختلفی از کتب خود مطرح کرده‌اند ولی به‌طور خاص این بحث در حدیث یازدهم از «شرح چهل حدیث» و در بحث خیر و شر از «شرح حدیث جنود عقل و جهل» مطرح کرده‌اند.

حجت الاسلام والمسلمین بروجردی در خصوص تأثیر نظریه فطرت در اندیشه سیاسی امام خمینی (ره) یادآور شد: براساس توضیحاتی که داده شد، مشخص می‌شود بسیاری از مفاهیمی که در عالم سیاست مطرح است، با مسأله فطرت مرتبط می‌باشد. مفاهیمی مثل استقلال، آزادی، عدالت، اموری هستند که هرکسی به آنها گرایش داشته و در مقابل، وابستگی و اختناق و



ظلم، مورد تنفر همگان است. مفاهیمی که در عمل سیاسی از اهمیت ویژه برخوردارند مثل دروغ، خشونت، تندروری، توطئه، در مقابل صداقت و مدارا و اعتدال و خیرخواهی از اموری هستند که فطرت تبعی و اصلی به آنها تعلق می‌گیرد.

نتیجه نظریه فطرت آن است که وقتی انسان‌ها خودشان به استقلال و آزادی تمایل دارند، لازم نیست حسن این امور و لزوم حفظ آن برای افراد بیان شود، کافی است به آنها توجه داده شود. به همین جهت، در رفتار سیاسی حضرت امام این الگو به چشم می‌خورد که افراد به این مفاهیم متوجه می‌کنند و به آنها اولویت می‌دهند. بنابراین، کافی است رهبران جامعه، غفلت را از مردم بزایند، مردم خودشان راه صحیح را طبق فطرت خود پیدا می‌کنند. آنها بالفطره در برابر ظلم و حاکمان ظلم ایستادگی می‌کنند و آزادی خود را مطالبه می‌کنند.

وی افزود: طبق نظریه فطرت، حضرت امام توضیح می‌دهند که چگونه سیاستمداران برای کسب قدرت بیشتر تلاش می‌کنند و توطئه و برنامه‌ریزی می‌کنند. زیرا انسان دارای قوایی است که آنها تحت سیطره فطرت، تمایلات بی‌نهایت دارند. یکی از این قوا عبارت از قوه واهمه است که شیطنت و طلب ریاست و خدعه و نفاق و غیره همگی مربوط به این قوه است. این قوه طبق اقتضای فطرت تمایل دارد تا همه قدرت‌های جهان و سلطنت‌های عالم را به‌دست آورد. ممکن است در ابتدا چنین آرزویی نکنند ولی به تدریج وقتی شخصی به ریاست رسید، تمایل به ریاست بیشتر در او نمایان می‌شود. پس فطرت که وسیله‌ای برای سعادت او بوده است، وسیله‌ای می‌شود برای شقاوت او. به دلیل محجوب بودن فطرت، آن سیاستمدار گمان می‌کند اگر ریاست جدیدی پیدا کند، به آرزوی خود رسیده است در حالی که چنین نیست و او در نهاد خود تمایل دارد تا قدرت مطلق داشته باشد و در واقع او طالب قدرت الهی است ولی به آن توجه ندارد و گمان می‌کند قدرت‌های دنیایی پاسخ‌گوی نیاز او است. حضرت امام می‌فرمایند: این خسران است که فطرت که سرمایه انسان برای سعادت است، در راه رسیدن به شقاوت به کار رود.

براساس نظریه فطرت هرکسی متوجه می‌شود که عدالت خوب است. پس اگر بخواهد ظلمی کند، آن را در پرده

عدالت می‌پیچد و پشت شعار عدالت مخفی می‌کند. هرکسی حتی اگر ظلم را در رفتار خود مشاهده نکند ولی در رفتار دیگران آن را مشاهده می‌کند و می‌داند که مردم به عدالت تمایل داشته و از ظلم متنفرند، پس سیاستمداران حتی اگر ظلمی مرتکب شوند، آن را در لباس عدل انجام می‌دهند.

لازم است تذکر دهم که این یک بحث تجویزی نیست مثل آنکه می‌گوید: بگویید ظلم بد است ولی مرتکب شوید. بلکه یک بحث توصیفی است که حاکمان برای آنکه تمایل مردم را به خود حفظ کنند حتی اگر ظلم کنند می‌گویند که ظلم بد است و ما عادلانه رفتار می‌کنیم.

طبق همین نظریه روشن می‌شود که چرا حضرت امام تذکر می‌دهند که انسان از ابتدا دیکتاتور یا طاغوتی نیست بلکه کم‌کم و به تدریج چنین می‌شود زیرا به تدریج قوای واهمه یا غضبیه یا شهویه انسان او را به سمت کمالات خیالی خود سوق می‌دهد. لازم است بار دیگر تاکید کنم بسیاری از خصائص اخلاقی که در عالم سیاست مطرح است، برای حضرت امام در پرتو فطرت معنی پیدا می‌کند مثل استقامت، صبر، خویشتن‌داری در عصبانیت، تصمیم‌گیری عجولانه، کبر، انتقام، زهد، مهربانی با دیگران و مدارا، طمأنینه و غیره.

حجت الاسلام والمسلمین بروجردی در خاتمه سخنانش گفت: جلسه قبل که پیرامون توحید افعالی و تأثیر آن در اندیشه سیاسی امام بود، تذکر داده شد که علم به توحید افعالی در رفتار انسان تأثیر نداشته بلکه ایمان قلبی به آن موثر واقع می‌شود. بنابراین، آنچه در فهم اندیشه امام دخالت دارد آن است که اندیشه سیاسی ایشان در پرتو ایمان ایشان به توحید افعالی و ایمان دیگران روشن می‌شود.

اما درباره مسأله فطرت، چنین نیست، به نظر ایشان فطرت در جامعه بشری به مقتضای خود عمل می‌کند و تمایلات انسان را شکل می‌دهد؛ خواه بداند یا نداند و خواه به آن ایمان داشته باشد یا خیر، اما توجه به فطرت و دوگانگی جهت‌گیری انسان باعث می‌شود تا انسان بتواند به تدریج مسیر معنویت را طی کند.

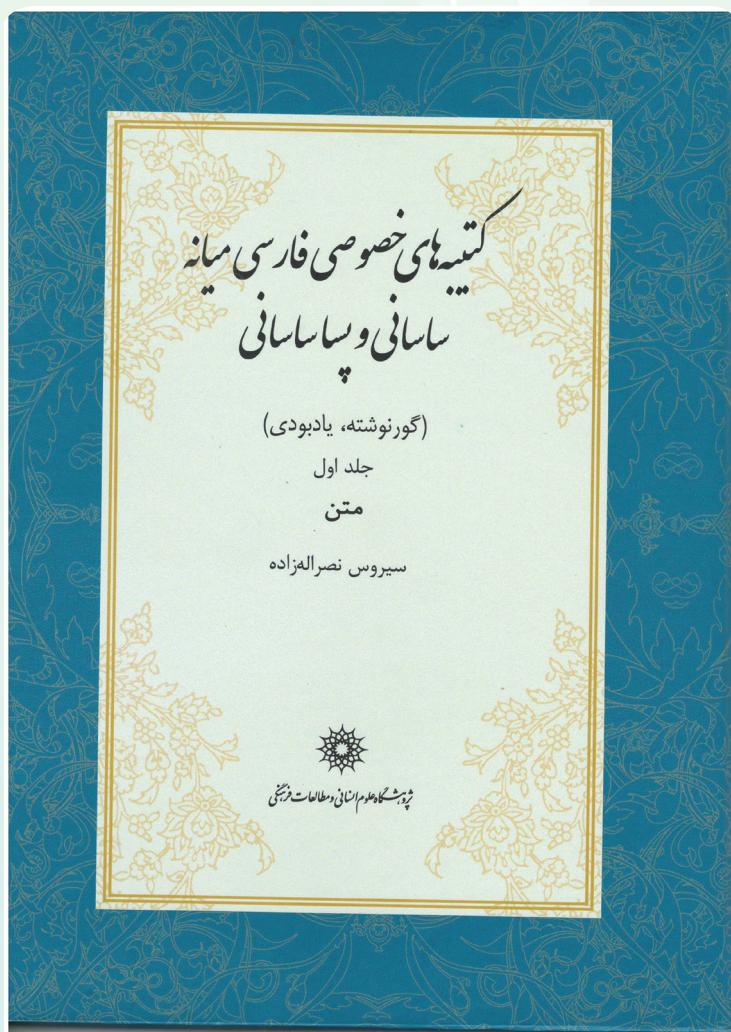
انتصاب

دکتر قبادی، رئیس پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، طی حکمی دکتر زهرا حیاتی را به سمت

سرپرست اسناد فرهنگی آسیا، منصوب کرد.



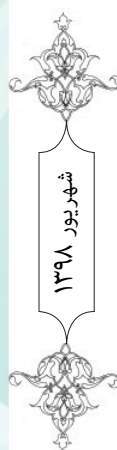
انتشار کتاب «کتیبه‌های خصوصی فارسی میانه؛ ساسانی و پساساسانی»



کتاب «کتیبه‌های خصوصی فارسی میانه؛ ساسانی و پساساسانی» در شهریورماه ۱۳۹۸ از سوی پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی منتشر شد. این کتاب که در دو جلد منتشر شده است، در جلد اول آن کتیبه‌های یادبودی و گورنوشته‌های به جامانده از دوره ساسانی و پس از آن بررسی می‌شود و در جلد دوم عکس‌های کتیبه‌ها آورده شده است. نویسنده کتاب، دکتر سیروس نصرالله‌زاده، در خصوص انتشار این کتاب طی یادداشتی توضیحاتی داد که در ادامه از نظر تان می‌گذرد:

کتیبه‌های خصوصی فارسی میانه؛ ساسانی و پساساسانی موجود از دوره ساسانی به چند دسته تقسیم می‌شوند. کتیبه‌های سلطنتی یا دولتی که به الفبای پهلوی کتیبه‌ای یا منفصل نوشته شده‌اند. این کتیبه‌ها یا مربوط به شاهان ساسانی است مثل اردشیر اول، شاپور اول، نرسی، شاپور دوم و سوم و یا بزرگان و مقامات دولتی و دینی مثل کتیبه ابنون، کرتیر، مهرنرسی و دیگران. این کتیبه‌ها دیدگاه رسمی حکومت ساسانی را نشان می‌دهد. اما دسته دیگر که مربوط به اواخر دوره ساسانی تا سده‌های ۵ هجری است کتیبه‌های موسوم به کتیبه‌های خصوصی است. این دسته کتیبه‌ها به الفبای پهلوی متصل نوشته شده‌اند و چون مربوط به جامعه ایرانی در دوره ساسانی و دوره اسلامی است اطلاعات بیشتری درباره این جامعه

می‌دهد و به سبب کمبود منابع از اواخر دوره ساسانی و آغاز اسلام در ایران، به خصوص تا سده ۵ هجری، می‌تواند اطلاعات تاریخی خوبی از جامعه زردشتی در اختیار قرار دهد. در کتاب حاضر ۱۲۲ کتیبه بررسی و خوانده و به همراه تعلیقات آمده‌است. در مجلد دوم عکس‌های کتیبه به طور مفصل آمده است. بر اساس کتاب حاضر کتیبه‌های خصوصی در سه بخش تنظیم شده است: بخش یکم: گورنوشته‌ها. بخش مهمی از کتیبه‌های خصوصی گورنوشته‌های جامعه زردشتی است که در ایران، چین و استانبول یافته شده است. این گورنوشته‌ها بر اساس نوع تدفین دین زردشتی است و تنوع کتیبه‌ای بسیاری دارد. در مقدمه این بخش در خصوص تدفین از دوره هندی و اروپایی تا دین زردشتی دوره ساسانی و دوره اسلامی و نیز تدفین در شاهنامه بحث شده است. قدیمی‌ترین این کتیبه‌ها از اواخر دوره یزدگرد سوم آغاز می‌شود و متأخرترین آنها برج لاجیم در استان مازندران است. بخش دوم: کتیبه‌های یادبودی. این کتیبه‌ها گاه در خصوص وقف چاه یا زمین است و گاه دیدار جامعه زردشتی از جایی مثل هند و یا تعمیر قلعه‌ای در فارس. این نوع کتیبه‌ها در ایران، هند، دربند قفقاز در داغستان یافته شده‌اند. بخش سوم: کتیبه‌های خصوصی مسیحیان ایرانی. در دوره ساسانی مسیحیت در ایران توسعه بسیاری یافت و حتی حکومت ساسانی توانست نوعی مسیحیت ایرانی به نام نستوری را در ایران در تقابل با مسیحیت ارتودوکس بیزانس شکل دهد. از اینان کتیبه‌هایی به خط و زبان پهلوی ساسانی باقی مانده است. یکی از آنها گورنوشته‌ای است که در استانبول امروزی قرار دارد و بخش دیگر کتیبه‌های یادبودی آنهاست که در هند و هرات یافته شده است.



جایگاه داده‌کاوی در وهابیت پژوهی معاصر

داده‌های روزافزون آن از عهده یک نفر خارج است؛ لذا همچنان که دانشگاه هاروارد برای بررسی وبلاگستان ایران و یا جهان عرب، ابتدا به بایگانی داده‌ها و سپس تولید نرم‌افزارهایی جهت محاسبه و تحلیل صدها هزار پیوند (link) متقابل میان وبلاگ‌ها مبادرت کرد، قدرت

نشست علمی «جایگاه داده‌کاوی در وهابیت پژوهی معاصر» به همت مرکز اسناد فرهنگی آسیای پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی و با سخنرانی دکتر کامیار صداقت ثمرحسینی به تاریخ ۱۶ شهریورماه ۱۳۹۸ برگزار شد.



ایران امروز در گرو ایجاد بانک‌های دائمی به‌منظور رصد مداوم داده‌های مربوط به ایران در جهان اسلام و طراحی نرم‌افزارهای مناسب برای استخراج اطلاعات آن داده‌هاست. اهمیت این موضوع زمانی آشکار می‌شود که بدانیم طبق برخی آمار سال ۲۰۱۴م، تنها سازمان تروریستی داعش و تنها در فیس‌بوک، بیش از پنجاه‌هزار صفحه با به‌روزرسانی بالغ بر یک‌میلیون بار در روز داشت.

داده‌کاوی (Data Mining) مبتنی بر استخراج اطلاعات و الگوهای پنهان از پایگاه داده‌های بزرگ و پیچیده از طریق نرم‌افزاری حاوی الگوریتم‌های متناسب با پرسش‌های محققان است. در داده‌کاوی کوشش می‌شود همه وقایع و اندیشه‌ها در چارچوب یک بانک اطلاعاتی، «با هم» دیده شوند. سامانه‌های مشابهت‌یابی مقالات نمونه‌ای ساده از داده‌کاوی است که اتفاقاً بخشی از تحقیقات برجسته مرحوم علامه سید مرتضی عسکری درباره «عبدالله بن سبأ» مشابهت‌یابی سند قصه مذکور در منابع اهل سنت (بر اساس طبقات تاریخی) بود. علامه عسکری نشان می‌دهد آبشخور اصلی قصه مذکور، نهایتاً حکایتی از سیف بن عمر کذاب است و ادعای وهابیان مبنی بر پربسامد بودن منابع قصه عبدالله بن سبأ توهمی بیش نیست؛ چراکه نقل‌قول مکرر از یک مأخذ، به‌منزله تعدد طرق مأخذ آن نیست. سپس سخنران به ارائه مثالی از فصلنامه النبأ ارگان

سخنران بحث خود را با بیان این نکته آغاز کرد که از حیث روش و ابزار تحقیق، هر دوره‌ای اقتضات خاص خود را داراست. کتاب ارزشمند «فرهنگ تاریخی زبان» اقتضای دوره‌ای است و پایگاه «دادگان زبان فارسی» اقتضای دوره‌ای دیگر؛ و وهابیت پژوهی همانند هر حوزه مطالعاتی دیگری، باید فرزند زمان خویش باشد؛ وی سپس به تبیین تحولاتی پرداخت که داده‌کاوی در وهابیت پژوهی را به یکی از الزامات دوران کنونی مبدل کرده است.

دکتر صداقت ثمرحسینی با مقایسه تحولات وهابیت در دو نیمه سده بیستم، از حیث ایجاد مؤسسات و مراکز بین‌المللی، گسترش انتشارات، توسعه وسیع دانشگاه‌ها و تنوع استادان آن خصوصاً تحصیل‌کردگان وهابی در کشورهای غربی و یا نومسلمانان وهابی غربی در عربستان سعودی و نهایتاً توسعه شبکه‌های ماهواره‌ای و فضای مجازی، نشان داد که هرچه وهابیت به انتهای سده بیستم نزدیک‌تر می‌شود، هم از حیث گستره جغرافیایی، هم از حیث موقعیت بین‌المللی و هم از حیث ساختار سازمانی (در ابعاد سیاست، اقتصاد، آموزش و رسانه) در حال فربه‌شدن در شبکه‌ای درهم‌تنیده، با شاخه‌ها و زیرشاخه‌ها و انشعابات گوناگون و تولید عظیم محتوایست که در ابتدای سده بیست و یکم، با تحولات عظیم فناوری ارتباطات و رایانه خصوصاً ذخیره‌سازی اطلاعات، به اوج خود رسیده است؛ به‌نحوی که تحلیل

رسمی داعش زد که حاصل بیش از ۲۵۰ ساعت بررسی بر اساس تحلیل بسامدی بالغ بر یک صد و هفتاد شماره از آن مجله بود تا بیان کند از طریق تحلیل بسامدی، چگونه می‌توان الگوهای نهفته در متن را آشکار کرد. بدین منظور، در چند مرحله، ابتدا بسامد اسامی کتاب‌ها و نویسندگان مورد وثوق داعش جمع‌آوری شد؛ سپس کار جداسازی و دسته‌بندی اسامی در مشرب‌های فکری هر یک از اسامی مذکور صورت گرفت و آنگاه نتایج حاصله، بر اساس تاریخ وفات اشخاص دسته‌بندی شد تا بتوان الگوی حاصله را در قالب طبقات تاریخی ترسیم کرد. نتیجه حاصله در جدول سیر تاریخی دوره‌های سلفیه و سیر تاریخی دوران سه‌گانه دولت سعودی قرار گرفتند تا شخصیت‌های مورد اشتراک سلفیه دربار سعودی با سلفیه موسوم به جهادی نمایان شوند که به‌خوبی نقاط مشترک عقیده و اندیشه این دو دسته از وهابیان را نشان می‌دهد. بررسی بسامدی گفتمان تکفیری ایشان نیز بازگوکننده بسیاری از حقایق نهفته درباره داعش خواهد بود که شرح کامل آن در طرح پژوهشی سخنران (دکتر صداقت ثمرحسینی) در بررسی بسامدی هفته‌نامه النبأ منعکس خواهد شد. حال اگر همین مثال ساده، در قالب داده‌کاوی ده‌ها هزار شماره از نشریات وهابیان رسمی و جهادی در بیش از یک سده اخیر، به صورتی فراگیر انجام شود، نقشه کاربردی جامعی از نقاط قوت و ضعف ایشان ترسیم می‌شود که به‌غایت در تصمیم‌گیری‌های آتی کشور اهمیت دارد.

کشف و درک الگوهای ناپیدا به معنای افزایش قدرت تصمیم‌گیری و نیز پیش‌بینی وقایع در آینده است. تصمیم‌گیری درست، به نحوه استخراج اطلاعات از داده‌ها بازمی‌گردد؛ مثلاً تحلیل‌های بسامدی در قضیه جهانگردان ایرانی در مصر در سال ۱۳۹۲ و تبلیغات تکفیری سنگین وهابیان که تا تهدید به قتل ایرانیان همراه بود، شناختی کاربردی را به ارمغان می‌آورد که از آن طریق می‌توان پیش‌بینی کرد که در موقعیت‌های مشابه در آینده چه افراد، گروه‌ها و جماعت‌هایی و با چه ابزار و حامیانی، له یا علیه ایرانیان فعالیت خواهند کرد تا امروز به فکر خنثی کردن توطئه‌های آتی

ایشان باشیم.

در خلأ بانک‌های اطلاعاتی عظیم و سرمایه‌گذاری‌های کلان مربوطه، پژوهش‌های بسامدی، بخشی از بار داده‌کاوی را بر عهده می‌گیرند. آن‌ها هرچند ابعادی خرد و محدود دارند؛ اما حضورشان بازهم غنیمت است. قدرت ما صرفاً در ایجاد پایگاه‌های داده نیست؛ بلکه در استخراج مؤثر و سریع اطلاعات و الگوهای پنهانی است که در آن نهفته است. امروزه دیگر نمی‌توان به سبک بسیاری از مقالات موسوم به علمی پژوهشی که نظریه‌ای پرطمطراق را همراه با کلی‌گویی‌ها و نقل‌قول‌های گزینشی که به‌منظور اثبات یک دیدگاه یا نظریه سرهم‌بندی می‌شوند، شناختی علمی و قابل‌اتکا ارائه داد و عملیاتی کرد.

در خاتمه سخنران نمونه‌هایی از توجه به بسامد در تألیفات علمای امامیه را مثال آورد که حاوی ایده‌هایی ناب در طراحی نرم‌افزاری هستند؛ نظیر:

- «طبقات أعلام الشيعة» از آیت‌الله حاج شیخ آقابزرگ تهرانی، در تبیین بسامد تألیفات علمای امامیه در ذیل طبقات ایشان (از قرن چهارم تا قرن چهاردهم هجری قمری)

- «الغدير في الكتاب والسنة والادب» از آیت‌الله علامه عبدالحسین امینی در تبیین بسامد حدیث غدیر در اشعار شاعران بزرگ عرب (بر مبنای توالی قرون اسلامی) و ده‌ها بسامد تاریخی دیگر درباره حدیث غدیر

- «شهداء الفضيلة» از آیت‌الله علامه عبدالحسین امینی در تبیین بسامد عالمان شیعه شهید از سده چهارم تا چهاردهم

- «الغدير في التراث الإسلامي» از آیت‌الله سید عبدالعزیز محقق طباطبایی در تبیین بسامد صدور احادیث غلو به ترتیب حیات مبارک پیشوایان دین (ع) - «عبدالله بن سبأ و اساطير اخرى» از آیت‌الله سید مرتضی عسکری بسامد تاریخی نقل قصه عبدالله بن سیأ در منابع اهل سنت تا خاستگاه آن سیف بن عمر کذاب.

جلسه با پرسش و پاسخ حضار ارجمند به پایان رسید.



نقش و کارکرد ارتباطات و رسانه در تقریب مذاهب اسلامی

منجر نشود. نمونه بسیار موفق آن، دانشگاه مذاهب اسلامی در ایران است که همهٔ اساتید فرق مختلف اسلامی با حضور در این دانشگاه، دیدگاه‌های فقهی و مذهبی خود را نه تنها ارائه که تدریس نیز می‌کنند و این به واسطهٔ استراتژی وحدتی است که بر این مجموعه حاکم است.

این عضو هیأت علمی با یادآوری کارکردهای ارتباطات تصریح کرد: ارتباطات و رسانه دارای کارکردهای فرهنگی، اقتصادی و سیاسی است، اما کارکرد فرهنگی آن از همه مهمتر از بقیه کارکردهاست و بقیه کارکردها زیرمجموعه آن به حساب می‌آیند، چراکه فرهنگ، عقیده و باور است و لذا رسانه عین مسأله فرهنگی جهان اسلام است. از همین رو است که کاستلز معتقد است، ما در عصر اطلاعات زیست می‌کنیم.

وی در ادامه افزود: در این حوزه، ارتباطات تعاملی، تحت تأثیر فضای مجازی است و در نتیجه جهان غرب به واسطه رسانه‌ها بر جهان اسلام هژمونی پیدا کرده است و تفکر مسلمانان را به دست گرفته‌اند. لذا مهمترین راه حل در جهت تقریب مذاهب اسلامی، آگاهی سیاسی است. فرق اسلامی باید بر سر اصول اتفاق کنند و فروغ را وانهند و در جهت ارتقای سواد رسانه ای پیش روند. این امر از طریق آشنایی با شبکه‌های اجتماعی و جمعی مجازی امکان پذیر است. دکتر هاشمی در پایان سخنانش به نمونه‌هایی از تبلیغات داعش و مقالاتی پیرامون آن در فضای مجازی اشاره کرد و به تعدادی از سؤالات حاضران پاسخ گفت.

پژوهشکده مطالعات فرهنگی و ارتباطات با همکاری مرکز تحقیقات امام علی (ع) نشست را با عنوان «نقش و کارکرد ارتباطات و رسانه در تقریب مذاهب اسلامی» در روز شنبه ۹ شهریور ۱۳۹۸ برگزار کرد.

در این نشست که تعدادی از اعضای هیأت علمی، پژوهشگران و کارشناسان پژوهشگاه حضور داشتند، دکتر مریم هاشمی، عضو هیأت علمی مرکز تحقیقات امام علی (ع) ضمن اشاره مختصری به دیدگاه مدنظر خود، به چرایی توجه به این مسأله پرداخت و گفت: دغدغه من برای پرداختن به این موضوع به دلیل حضورم در لبنان در بین سال‌های ۲۰۰۶ تا ۲۰۱۱ است. همانطور که می‌دانید، لبنان کشوری نیمه عربی و نیمه اروپایی است و مذاهب مختلف در آن حضور دارند و همین امر این دغدغه را ایجاد کرد که چگونه می‌توان از طریق رسانه فضای تقریب و نزدیکی مذاهب را فراهم کرد؟

وی خاطرنشان کرد: براساس نظریه مک لوهان، ما اکنون در یک دهکده جهانی زندگی می‌کنیم و همه افراد در این دهکده می‌توانند به صورت همزمان از یکدیگر اطلاع حاصل کنند. در جهان حاضر دیگر رسانه مجاز نیست، بلکه عینی و ملموس در جهان حاضر است. لذا این سؤال مطرح می‌شود که چگونه می‌توان هویت اسلامی را مصون نگه داشت و ادعای استقلال فرهنگی را داشت؟

وی با اشاره به هویدا بودن حساسیت نقش رسانه‌ها در تقریب مذاهب اسلامی توضیح داد: ما نمی‌توانیم و نباید مانع پویش علمی و تضارب آراء در بحث مذاهب اسلامی شویم. اما شرط مهم این است که به تنازع



نمایش و نقد فیلم مستند «در جستجوی فریده»

روز چهارشنبه ۲۷ شهریور ۱۳۹۸، گروه پژوهشی مطالعات زنان پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، جلسه نمایش و نقد فیلم مستند داستانی «در جستجوی فریده» را با حضور کارگردانان (آزاده موسوی و کورش عطایی) و منتقدان سینما (آنتونیا شرکاء و روبرت صافاریان) برگزار کرد.

پس از نمایش فیلم، ابتدا کارگردانان توضیحات اولیه‌ای درباره چگونگی فرآیند تولید فیلم ارائه دادند. سپس منتقدان، کارگردانان و حاضران در جلسه، در زمینه نقد فیلم به گفتگو پرداختند.

فریده نام دختری است که خانواده‌اش حدود ۴۰ سال پیش او را در حرم امام رضا (ع) رها کرده‌اند و دست روزگار او را در شش ماهگی به هلند کشانده است. از آمستردام تا مشهد حکایت سفر فریده برای یافتن هویتی است که بیش از بیست سال در تکاپوی آن بوده است.

فارغ از مجادله‌هایی که پس از اعلام این فیلم به عنوان نماینده ایران در اسکار ۲۰۲۰ در محافل و رسانه‌های سینمایی درگرفت، این جلسه عملاً نقدی مبتنی بر دریافت خواننده بود که بیشتر از جنبه‌های تکنیکی فیلم، به مضمون، موضوع و شخصیت اصلی آن در واقعیت و در روایت سازندگان آن پرداخت.

احساسات و شورو شعف اغراق‌آمیز فریده در یافتن رگه‌های گمشده وجودش، چالش خانواده‌هایی که با فرافکنی درباره جرم گذشته خود در رها کردن کودک چند ماهه‌شان به امید امام رضا! اکنون می‌خواهند جبران مافات کنند، تأثیر زن بودن کارگردان در وفور عناصر زنانه در فیلم، مقایسه برخورد خانواده هلندی با فریده با خانواده‌هایی که در ایران ادعای داشتن ارتباط خونی با فریده را دارند در کنار انگاره قربانی بودن زنانی که نقش مادر را در واقعیت ایفا کرده‌اند، اندک مایه‌های نمادین داستان، کادربندی‌هایی که نوع خاصی از روایت را در این فیلم مستند رقم زده است، مشحون بودن قصه از احساس تنهایی شخصیت فریده، بیان تناقضات موجود در شخصیت فرهنگی ایرانیان و بالاخره پیش‌بینی درباره میزان شانس این فیلم به عنوان نماینده ایران در اسکار ۲۰۲۰ از جمله مطالبی بود که در این جلسه مورد بحث قرار گرفت.

گفتنی است، پیش از این نیز گروه مطالعات زنان پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، جلسات نقد فیلم‌های خانه پدری ساخته کیانوش عیاری و ملی و راه‌های نرفته‌اش ساخته تهمینه میلانی را با حضور سازندگان فیلم‌ها و منتقدان حوزه سینما و علوم انسانی برگزار کرده است.



توسعه و سازماندهی محتوای دیجیتال

حفاظت از مجموعه، وجین و حذف منابع بدون استفاده، تعیین برهه‌های زمانی تجدید نظر در خط‌مشی بیان می‌شود.

روز شنبه مورخ ۲۹ تیرماه ۱۳۹۸، سخنرانی دکتر حمیدرضا رادفر، عضو هیأت علمی مرکز اسناد فرهنگی آسیا با موضوع «توسعه و سازماندهی محتوای دیجیتال» برگزار شد.



دکتر رادفر در ابتدای سخنان خود با تعریف محتوای دیجیتال گفت: محتوای دیجیتالی شامل هر محتوای تولید شده، قابل دسترس، اشتراک گذاشته شده، استفاده شده و یا ذخیره شده در یک قالب دیجیتال است. مهمترین حیاتی‌ترین عنصر مورد درخواست و دارای ارزش در فضای مجازی محتواست. فناوری‌ها، نرم‌افزارها، ربات‌ها و سایر پدیده‌های پیشرفته که این روزها در فضای مجازی دیده می‌شوند جهت راحتی، افزایش دقت و سرعت دسترسی به محتواست. مشتریان سازمان‌ها نیز در ورای تمامی این فناوری‌ها و نرم‌افزارها و امکانات خوش رنگ و لعاب و متنوع در پی دستیابی به محتوا هستند. این اشیا محتوایی برای سهولت در مدیریت

در قالب مجموعه‌های دیجیتالی سازماندهی می‌شوند. مجموعه‌های دیجیتالی قابلیت نگهداری هر گونه اطلاعات به صورت مجموعه‌ای از بیت‌های رایانه‌ای را دارند. گاهی اوقات این بیت‌ها نسخه‌های دیجیتالی شده رسانه‌های معمول مانند متون، تصاویر، مواد شنیداری، فیلم‌ها، نقشه‌ها و امثال اینها هستند و گاه محتوایی هستند که نمونه فیزیکی ندارند، مانند منابع وب بنیاد، برنامه‌ها و نرم‌افزارهای رایانه‌ای، بازی‌های رایانه‌ای و پایگاه‌های اطلاعاتی دیجیتالی. به دسته دوم که منبع اصلی در قالب الکترونیکی تولید شده و معادل فیزیکی یا آنالوگ ندارد، محتوای «زاده دیجیتال یا دیجیتال زاد» می‌گویند.

عضو هیأت علمی مرکز اسناد فرهنگی آسیا با تأکید بر اهمیت خط مشی توسعه در یک مجموعه، افزود: برنامه‌ریزی و تهیه خط مشی از الزامات تأمین مجموعه است. خط مشی مجموعه‌سازی را می‌توان به دو بخش عمده تقسیم کرد:

الف) در بخش نخست مواردی از قبیل مأموریت و اهداف مجموعه، تعریف جامعه کاربران، شرایط دستیابی، دستورالعمل‌ها در انتخاب منابع، مجموعه‌های خاص، شرایط همکاری با سایر مراکز، ارزشیابی مجموعه،

ب) در بخش دوم بدنه سند خط مشی، به تفصیل حوزه‌های مطرح در بخش اول بیان می‌شوند. رادفر در ادامه با اشاره به اهمیت نیازسنجی به معنای دانستن نیازهای اطلاعاتی کاربران، رفتارهای اطلاع‌یابی آنان، اولویت‌ها و علاقه‌مندی‌های اطلاعاتی و توانمندی‌های آنان در کشف، استفاده و کار با منابع اطلاعاتی، آن را کمک موثری در ایجاد مجموعه خوب و فراهم‌آوری منابع درست، در قالب‌های مورد نظر، و در نهایت خدمات موثرتر به کاربران دانست.

دکتر رادفر در ادامه گفت: انتخاب منابع اطلاعاتی، قلب فراهم‌آوری و عملکرد هسته در توسعه مجموعه است. انتخاب هر منبع الکترونیکی به‌طور کلی سه مرحله را طی می‌کند، شناسایی/کشف، ارزیابی و در نهایت تصمیم به انتخاب محصول. فراهم‌آوری منابع اطلاعاتی نیز به‌طور کلی در چهار مرحله انجام می‌گیرد که عبارتند از: تحقیق در مورد اطلاعات محصول، تعیین گزینه‌های مختلف بر اساس قیمت، بررسی مجوزها و توافقات تجاری، و در نهایت سفارش و دریافت منبع برای مجموعه.

دکتر رادفر دو دلیل عمده برای دیجیتال سازی برشمرد:

۱- حفظ و نگهداری مجموعه‌های آنالوگ،

۲- گسترش دسترسی به این منابع یا به عبارتی حفظ و دسترسی.

وی سه فاز را برای شروع به کار انتخاب منابع برای دیجیتال‌سازی برشمرد: الف) انتخاب: یعنی حضور تمام افراد درگیر با کار و انتخاب کلی و تصمیم در مورد اینکه چه منابعی باید برای پروژه انتخاب و چه منابعی از کار کنار گذاشته شوند.

ب) ارزیابی: مطابقت موارد انتخاب شده با معیارهای ارزیابی پروژه، برای اینکه چه منابعی برای دیجیتال‌سازی بمانند و چه منابعی وجین شوند. ج) اولویت: انتخاب‌کنندگان یا کمیته انتخاب دست به رتبه بندی منابع ارزیابی شده بر اساس ارزش آنها، میزان استفاده و در نظرگیری خطر اسکن کردن آنها، می‌زنند.

وی از جمله دیگر راه‌های توسعه محتوای دیجیتال را از طریق منابع اهدایی و رایگان، جمع‌آوری منابع وب بنیاد، و مجموعه‌سازی مشارکتی (تعاونی) دانست و ارزشیابی مجموعه را مطالعه و بررسی مجموعه منابع اطلاعاتی یک مجموعه براساس اهداف، جامعه کاربران و برنامه‌های سازمان مادر، یا به عبارت دیگر بررسی کل مجموعه و میزان همخوانی آن با اهداف مجموعه‌سازی تعریف کرد. عضو هیأت علمی مرکز اسناد فرهنگی آسیا با طرح بحث حق مؤلف تصریح کرد: درک و آشنایی با قوانین حق مؤلف و جنبه‌های مرتبط با آن برای کار و مدیریت

با انواع منابع اطلاعاتی الکترونیکی، تا حدودی در همه مراکز مرتبط به محتوای دیجیتال امری نسبتاً ضروری است و این قوانین حق مؤلف در مورد تعادل هستند؛ تعادل بین حقوق عمومی استفاده از منابع شامل قوانین حق مؤلف و صاحبان حق مؤلف (که ضرورتاً نویسنده نیست). استفاده منصفانه نیز موارد استثنایی هستند بر حقوق حق مؤلف صاحبان محتوای منابع اطلاعاتی و فقط برای استفاده‌های محدودی ممکن هستند، و شامل استفاده برای نقد و توصیف، گزارشات خبری، آموزش (بیش از چند نسخه از منبع برای استفاده کلاسی) و پژوهشی البته با ذکر منبع است.

دکتر رادفر در پایان سخنرانی خود درخصوص سازماندهی محتوا گفت: ایجاد ارزش افزوده به یک اثر مبتنی بر دو حوزه توصیف و تحلیل است. از این رو نخستین قواعد و استانداردها در این حوزه تأکید ویژه‌ای بر این دو حوزه داشتند. توصیف تحلیل منابع اطلاعاتی امکان بازیابی دقیق و سریع آثار را از بین سایر آثار در سامانه‌های اطلاعاتی فراهم می‌کند. وی در این قسمت به موضوعاتی همچون قواعد سازماندهی اطلاعات و محتوا، ابزارها در سازماندهی اطلاعات، الگوی اف.آر.بی.آر در سازماندهی اطلاعات، فراداده و انواع آن نیز اشاره کرد.



چهارمین مدرسه تابستانی پژوهشگاه «توسعه ایران؛ چالش‌های گذشته، چشم‌انداز آینده»

به همت معاونت فرهنگی-اجتماعی پژوهشگاه، چهارمین مدرسه تابستانی پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی با موضوع «توسعه ایران؛ چالش‌های گذشته، چشم‌انداز آینده» از ۲۲ تا ۲۵ تیر ۱۳۹۸ برگزار شد. در این مدرسه، دکتر حسین راغفر با عنوان «موانع توسعه در ایران»، دکتر محمد فاضلی با عنوان «دولت و توسعه»، دکتر علیرضا علوی‌تبار با عنوان «سیاست و توسعه» و دکتر مقصود فراستخواه با عنوان «جامعه و توسعه» درس‌گفتارهایی ارائه کردند. دانشجویان، دانش‌آموختگان و علاقه‌مندانی از رشته‌های مختلف اقتصاد، مدیریت، جامعه‌شناسی، ارتباطات و ... در این جلسات شرکت کرده و در پایان گواهی دریافت کردند.

در این نشست‌ها، تقویت نهادهای مدنی و واسط، توسل به خردورزی جمعی، افزایش مشارکت اجتماعی شهروندان، همکاری دولت و مردم برای تولید خیر جمعی، اقدامات اصلاحی کوچک و گام به گام، توجه به هستی‌شناسی و پیچیدگی‌های جامعه ایرانی برای طراحی برنامه‌های توسعه و استقرار دولت با ظرفیت، شفاف و پاسخگو به عنوان مهمترین الزامات توسعه ایران عنوان شد.

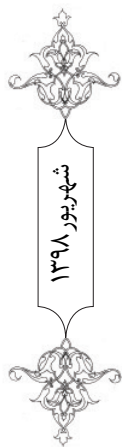
دکتر راغفر: ناکارآمدی، محصول نهایی نوعی سرمایه‌داری رفاقتی است

در اولین نشست مدرسه تابستانی سال ۹۸ در روز ۲۲ تیرماه، دکتر حسین راغفر، اقتصاددان و عضو هیأت علمی دانشگاه الزهراء، به بحث پیرامون موضوعات ریشه‌های تاریخی عقب‌ماندگی در ایران، عملکرد اقتصاد ایران، ابرچالش نظام تصمیم‌گیری‌های اساسی، ابرچالش جمعیت و اشتغال، ایران در بستر اقتصاد دانش، بی‌ثبات‌سازی اقتصاد کلان و پیامدهای آن که آسیب‌های اجتماعی و فساد ساختاری در ایران است، و در نهایت، راهکارهای پیشنهادی برای حل معضلات اقتصاد و خوشه‌های صنعتی در ایران پرداخت.

دکتر راغفر با نقل قول از ریچارد الیوت بندیک در کتاب «تأمین مالی صنعتی در ایران» که در سال ۱۳۹۴ به فارسی ترجمه و چاپ شده است، از الگوی مصرف ایرانیان و فرهنگ اقتصادی حاکم مانند مصرف‌گرا بودن و سرمایه‌گذاری در زمین و مسکن انتقاد کرد و گفت: فقدان یک راهبرد توسعه صنعتی در کشور، موجب سردرگمی در جهت‌گیری فعالیت‌ها در تمامی بخش‌های اقتصادی شده است. او ابرچالش‌های راهبردی اقتصاد ایران را شامل «نظام تدبیر و تمشیت امور» که خود ناشی از چالش‌های جمعیت و اشتغال، انرژی و آب، و نوآوری و فناوری است، دانست و گفت: چه در برنامه‌های عمرانی پهلوی دوم و چه در برنامه‌های توسعه بعد از انقلاب، سهم تشکیل سرمایه ثابت ناخالص فعالیت‌های اقتصادی از کشاورزی بسیار ناچیز بوده و سهم صنعت و معدن هم حدود ۱۰ تا ۱۵ درصد بوده است. این درحالیست که ۷۰ درصد آنرا بخش خدمات تشکیل داده است که به معنای دلالی و واسطه‌گری است. همچنین، رشد ارزش قیمت‌گذاری همه بخش‌های اقتصادی کم بوده و فقط خدمات بانکی به معنای رباخواری، خرید و فروش پول و ارز و وام بانکی رشد قابل توجهی داشته است. وی همچنین با استناد به شاخص‌ها و نمودارهایی در زمینه روند رشد بهای زمین، مسکن و اجاره، توزیع اعتبارات بانکی در بخش‌های اقتصادی، نبود قانون مالیات بر زمین و مسکن از وضعیت اقتصادی حاکم بر کشور انتقاد کرد و گفت: کسانی که خود منافعی در این وضعیت دارند، اجازه نمی‌دهند که این رویه‌های غلط اصلاح شود. وی افزود: از اواسط دوران قاجار تاکنون، ما اسیر سرمایه‌های تجاری و مالی شده‌ایم و این صاحبان سرمایه‌ها هستند که سیاست‌های کلی را هم تعیین می‌کنند.

راغفر با استناد به سید محصولات صادراتی و وارداتی ایران گفت: صادرات ما عمدتاً نفت و گاز و محصولات خام و اولیه است، تولید و کالاهای دانش‌بنیان در اقتصاد ایران جایی ندارد و بسیار وابسته به واردات محصولات نهایی هستیم. او این وضعیت را ناشی از نظام تصمیم‌گیری دانست و گفت: امنیت ملی، آینده‌نگری و مردم، غائبین بزرگ نظام تصمیم‌گیری هستند. به همین خاطر است که نهادهای مستقر، به جای خدمت به رفاه و سعادت مردم، در خدمت منافع صاحبان سرمایه هستند. فلسفه اقتصادی و راهبرد توسعه نظام مشخص نیست و نوعی سرمایه‌داری رفاقتی حاکم شده است که محصول نهایی آن، ناکارآمدی است.

این عضو هیأت علمی دانشگاه الزهراء، با اشاره به اینکه میانگین اشتغال جوانان در جهان، ۴۱ درصد و در ایران، ۲۲ درصد است، همچنین بعد از هند و چین، ایران، بالاترین آمار مهاجرت جوانان به امریکا را دارد، گفت: این امر به دلیل بی‌ثباتی اقتصاد کلان و ضدتولید بودن اقتصاد ماست، به گونه‌ای که کار در اقتصاد ما جایی ندارد. راغفر، با



ترسیم مثلی که سه رأس آن، رباخواری بانکها، سوداگری از طریق واردات و صادرات، و سفته‌بازی در زمین و مسکن و ارز است، گفت: بانکها سرمایه‌های مردم را می‌گیرند و به سوداگران و سفته‌بازان وام می‌دهند نه به تولید، صنعت و کشاورزی. به این ترتیب، به قول جان مینارد کینز، رکودهای بزرگ سر بر می‌آورند چرا که پول از چرخه صنعتی خارج شده و به چرخه مالی سوق داده شده است.

وی با اشاره به اینکه روند نرخ سود بانکی در اقتصادهای مهم جهان نزولی و در ایران صعودی بوده است، گفت: متوسط نرخ سود بانکی در ۱۴۰ کشور جهان، کمتر از ۵ درصد است و ایران در میان این کشورها، بیشترین نرخ سود بانکی را دارد. همچنین، رتبه ایران در شاخص‌های رقابت‌پذیری جهانی در بین ۱۴۰ کشور، ۸۹ است.

وی، عدم دسترسی به تأمین مالی، تورم، بروکراسی ناکارآمد دولتی، بی‌ثباتی سیاست‌گذاری‌ها، فساد و تأمین غیرکافی زیرساخت‌ها را از جمله مهمترین دشواری‌های کسب و کار در ایران دانست. وقتی ۷۰ درصد هزینه‌های تولید در ایران ارزی است، معلوم است که نوسانات قیمت ارز با آن چه می‌کند. وی با اشاره به اینکه در سال‌های پس از جنگ تحمیلی تا کنون، چهار شوک ارزی داشته‌ایم (سال ۱۳۷۲، سال ۱۳۷۸، سال ۹۲-۱۳۹۱ و آخرین در سال ۹۷-۱۳۹۶) گفت: رشد قیمت ارز در یکسال گذشته، برنامه مشترک دولت و مجلس بود که به علت ورشکستگی بانکها صورت گرفت. مبلغ بالایی از سپرده‌های مردم نزد بانکها گم شده است که ظاهراً حدود ۸۲۰ هزار میلیارد است. به همین جهت، دولت، بسته حمایت از بانکها را تنظیم و اجرا کرد که شامل افزایش قیمت ارز، آب کردن شمش طلا و ضرب و فروش سکه، و دادن وام ماهیانه بانک مرکزی به بانکهای خصوصی بوده است.

راغفر تأکید کرد: به این کار، گرفتن «مالیات تورمی» می‌گویند که نادرست‌ترین نوع مالیات است، چرا که اقشار ضعیف و طبقه متوسط را هدف می‌گیرد. افت ارزش پول مردم، نوعی مالیات گرفتن از آنها و حتی بدتر، دست بردن به جیب آنهاست. راغفر تأکید کرد: سلطه روندهای مالی شدن اقتصاد بر اقتصاد تولیدی و صنعتی، ناشی از سیاست‌های نئولیبرالیستی و یک پروژه است که در همه دنیا کم و بیش به همین صورت پیش رفته است. البته، دو رخداد «برگزیت» و «روی کار آمدن ترامپ»، نشانه پایان لیبرالیسم اقتصادی و بازگشت به نوعی ناسیونالیسم اقتصادی است.

حسین راغفر، در پایان، تنها روزنه امید اصلاح امور را تقویت نهادهای مدنی، مشارکت اجتماعی و مطالبه‌گری مردم دانست و گفت: اولین شرط اصلاح امور و پایان دادن به چرخه فلاکت در ایران، رها شدن دولت از وضعیت تسخیرشدگی است. در حال حاضر، دولت در تسخیر سرمایه‌داران است و صاحبان منافع بزرگ که بعضاً برخی نهادها و بنیادها و اشخاص هستند، از ادامه این وضعیت سود می‌برند. باید اصلاحات ساختاری صورت گیرد که به شرط عزم سیاسی امکان‌پذیر است.

در انتهای این نشست، دکتر راغفر به تعدادی از سؤالات حاضران پاسخ گفت.



دکتر محمد فاضلی: برای توسعه ایران، دولت باید ظرفیت داشته باشد

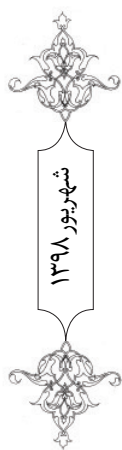
تنظیم‌گری در دستور کار دولت قرار گیرد. این پژوهشگر و مترجم، ظرفیت سازمانی دولت را منوط به شایسته‌گزینی، شفافیت اطلاعات، مقررات هدایت‌کننده، رویه‌های گزارش‌دهی، ایجاد رقابت، مشارکت حداکثری شهروندان و حذف فعالیت‌های موازی دانست و گفت: دولتها، زمانی تن به اصلاحات می‌دهند که یا بحران اقتصادی از راه رسیده، یا تهدید خارجی در میان است و یا دل‌بستگی کمتری به ساختارهای قبلی دارند و ایده اصلاحات را پذیرفته‌اند. وی تأکید کرد که دولت‌ها باید اصلاحات را کانون همبستگی ملی کنند و از طریق گفتگو، آنرا به پروژه خود مردم تبدیل سازند. این همان چیزی است که بانک جهانی تحت عنوان «رویکرد همه با هم» مطرح کرده، یعنی مشارکت همه گروه‌های اجتماعی در اصلاحات.

این استاد دانشگاه، مشکل اصلی اصلاحات را گروه‌های ذینفع که در برابر تغییر شرایط مقاومت می‌کنند دانست و بخش دوم سخنرانی خود را تحت عنوان «اقتصاد سیاسی اصلاحات؛ مانع توسعه در ایران» به موضوع برنامه‌ریزی و سیاست‌گذاری دولت‌ها برای اجرای اصلاحات اختصاص داد. فاضلی توضیح داد: در هر وضعیت ناکارآمد، عده‌ای منافع مشروع و نامشروع دارند. همانطور که در فصل آخر کتاب «دغدغه ایران» آورده‌ام، دولتی که هدفش اصلاح سیاست‌هاست و می‌خواهد با گام‌های کوچک و با فروتنی آنرا انجام دهد، موانعی بر سر راه دارد که اولین و مهمترین آنها به خطر افتادن منافع برخی گروه‌هاست. در تحلیل برنده-بازنده‌ها، همیشه بازنده‌های قدرتمندی هستند که در برابر فرایند اصلاحات مقاومت می‌کنند. این مقاومت چند علت دارد؛ یا به دلیل از بین رفتن رانت اقتصادی است؛ یا به منظور حفظ قدرت سیاسی؛ یا به دلیل ناشناخته بودن ریسک‌های اصلاحات؛ یا نوعی مقاومت ایدئولوژیک و یا ناشی از طراحی نهادی دولت است. فاضلی توضیح داد: اصلاح‌گران در چنین وضعیتی با چند سؤال مهم روبه‌رو می‌شوند: زیان افرادی را که از اصلاحات زیان می‌برند (به شرط مشروع بودن مطالبه‌شان) چگونه جبران کنند؟ نفع‌برندگان مشروع را چگونه علیه نفع‌برندگان نامشروع بسیج کنند؟ زمان‌بندی و طراحی تاکتیکی اصلاحات را چگونه انجام دهند که به موفقیت برسند؟ چگونه میان گروه‌های مختلف ذینفع و بالاخص در بالاترین سطوح سیاسی وفاق و اجماع ایجاد کنند؟ اصلاحات را از چه بخش‌های کلیدی (و نه همه بخش‌ها) آغاز کنند که کمترین مقاومت و بیشترین اثرگذاری را داشته باشد؟ وی تأکید کرد: برای پاسخ به این سئوالات باید برای

در دومین نشست در روز ۲۳ تیرماه، دکتر محمد فاضلی، جامعه‌شناس و عضو هیأت علمی دانشگاه شهید بهشتی با عنوان «دولت و توسعه» به سخنرانی پرداخت. فاضلی در ابتدا با ارجاع به کتاب «دولت در جامعه»، چهار دیدگاه مختلف به رابطه دولت و توسعه را «نگاه فرهنگ‌گرا»، «نگاه ساختارگرایانه سیستمی»، «انتخاب عقلانی» و «نهادگرایی تاریخی» عنوان کرد. سپس در توضیح نهادگرایی تاریخی، با استناد به کتاب «سیاست در بستر زمان»، گفت: نهادها، در بستر زمان، کنشگران را محدود می‌کنند. اقدام اولیه، تصمیم‌ها و اقدامات بعدی را دشوارتر می‌کند. هر اقدامی، حلقه‌های بازخوردی ایجاد می‌کند که خود را تقویت می‌کنند. این امر همان مقاومت ساختار در برابر تغییر است. اما گاهی، یک لایه به لایه‌های ساختاری موجود اضافه می‌شود که همه لایه‌های قبلی را در خود حل می‌کند یا بر آنها مسلط می‌شود. بنابراین نهادهای دولتی قابل تغییرند و از طریق گام‌های کوچک می‌توانیم آنها را تغییر دهیم.

وی، به کتابهای «نقش دولت در جهان در حال تحول» و «غوغای دستیابی به دولت کارآمد» اشاره کرد و گفت: در یک دورانی، تنها بر ارزش‌های لیبرالیسم و آزادسازی تأکید می‌شد اما از دهه ۹۰ به بعد، می‌دانیم که دولت‌ها در توسعه، نقش تعیین‌کننده‌ای دارند. دولت، مردم و همه نیروهای موجود در یک کشور باید با هم کار مشترک انجام دهند تا توسعه محقق شود. فاضلی در ادامه، به شرح مفهوم «دولت با کیفیت» پرداخت و گفت: دولت برای ایجاد توسعه، باید «ظرفیت» داشته باشد که با معیارها و شاخص‌های مختلفی توصیف شده است؛ یکم، نفوذ داشتن در جامعه، دوم، قدرت تنظیم روابط اجتماعی، سوم، تحصیل منابع از جامعه، چهارم، تخصیص مؤثر منابع، پنجم، پاسخگو بودن، ششم، اجماع‌سازی قدرت‌ها، هفتم، اعمال زور و مجازات. وی به نقل از یان مارش، این ظرفیت را شامل ظرفیت سیاسی، ظرفیت سیاست‌گذاری و ظرفیت سازمانی عنوان کرد.

وی افزود: استقلال نسبی از طبقات و گروه‌های اجتماعی و ظرفیت مشارکت‌پذیری و مشورت با جامعه نیز از دیگر ویژگی‌های دولت با ظرفیت است. همچنین، داشتن ساختارهای بروکراتیک کارآمد، ظرفیت جلوگیری از فساد و بی‌طرفی نیز از ضرورت‌های دولت با ظرفیت است. فاضلی، نتیجه گرفت که برای توسعه ایران، باید «با ظرفیت‌سازی» دولت را تعریف و اجرا کنیم. اما آنها که از وضع ناسالم موجود نفع می‌برند، همیشه مانع اصلاح امور هستند. بنابراین، باید تسهیل ارتباط با افکار عمومی، اصلاح ساز و کارها و استفاده از ابزارهای



فاضلی به اهمیت بازتوزیع در اصلاحات اشاره کرد و توضیح داد: اصلاحات زمانی امکان پذیر می شود که برندگان بتوانند بازندگان را متقاعد کنند که متعهد به جبران حداقل بخشی از باخت های آنها هستند. لذا بدون داشتن برنامه های بازتوزیعی، عدم قطعیت های فردی سبب گرایش به حفظ وضع موجود می شود. اما عدم قطعیت درباره نتایج اصلاحات را می توان از طریق کمپین اطلاع رسانی فعال حامیان اصلاحات کاهش داد. کاهش مخاطره اصلاحات می تواند از طریق طراحی گام های کوچک اما متوالی که هر گام، اطلاعاتی درباره اثر گام های بعدی را آشکار کند، انجام گیرد. این استاد دانشگاه، در پایان، با معرفی کتاب «استراتژی های تغییر» چاپ سازمان ملل متحد، گفت: اصلاحات کوچک و گام به گام، مؤثر است اما اندیشه براندازی کامل، بی فایده است. در انتهای این نشست، دکتر فاضلی به تعدادی از سؤالات حاضران پاسخ گفت

هر برنامه اصلاحی کوچک و بزرگی، «نقشه راه اصلاحات» تدوین شود و در آن، گروه های موافق و مخالف ذینفع، عوامل تعیین کننده هزینه سیاسی، هزینه های اقتصادی و فناوریانه، ساز و کارها و ملزومات اجماع، زمان بندی تاکتیکی و سایر مسائل دیده و تعریف شود. تهیه این نقشه راه نیازمند مطالعه، پژوهش و برنامه ریزی است و گاهی ممکن است تبدیل به یک کتابچه شود. بنابراین، سیاستمدار اصلاح گر باید کار فنی، کار ارتباطی، دستور سازی و کار سیاسی به معنای یارگیری در عرصه سیاست را بلد باشد.

وی افزود: مقاومت کنندگان در برابر اصلاحات دو دسته اقدام انجام می دهند: یک، دادن اطلاعات و گزارش های غلط به سیاست گزاران و دوم، دادن اطلاعات به مردم و بسیج کردن ایشان. اصلاحات متناظر با میزان زیادی از عدم قطعیت در طول دوره اصلاحات و درخصوص نتایج اصلاحات است. وی با اشاره به مشکلات اصلاحات، گفت: دولت یا برخی گروه های ذینفع ممکن است اطلاعات برتری درباره اصلاحات و نتایج آن داشته باشند، اما ممکن است قادر نباشند آن را با توده مردم (طرفداران اصلاحات) به اشتراک بگذارند. این اطلاعات برای کاهش عدم قطعیت ها مناسب است. بخت پذیرش اصلاحات را می توان بیشتر کرد اگر بازندگان بپذیرند که در فردای اصلاحات جبران هزینه شان خواهد شد.



دکتر علوی تبار: سیاست ما نه تنها به توسعه کمک نمی‌کند، بلکه آسیب‌ها را تشدید می‌کند

که تولید سرانه ملی و توزیع درآمد (ضریب جینی) را با هم می‌سنجد. سنجش توسعه سیاسی نیز با دو شاخص میزان مشارکت عمومی و فراگیری رقابت سیاسی که به معنای تنوع جریان‌ها و اندیشه‌ها در عرصه رقابت سیاسی است، صورت می‌گیرد. غایت این توسعه، پیدایش حکومت مدرن و دموکراتیک است. علوی تبار با اشاره به نتایج پژوهش‌ها در این خصوص، گفت: دو اشکال مهم در نظام سیاست‌گذاری عمومی ما وجود دارد؛ یکی طراحی نادرست سیستم‌ها و ساختارها؛ دوم، پائین بودن ظرفیت ملی برای خط‌مشی‌گذاری عمومی.

علوی تبار، با اشاره به ۱۴ اصل برای بهره‌وری در سازمان‌های بزرگ، تناسب اختیار و مسئولیت، وحدت جهت و هماهنگی، وحدت فرماندهی، تقسیم کار و تخصص، سلسله مراتب، تمرکز، تعریف فرایندها و ... را از جمله این اصول برشمرد و گفت: برای مثال، اقتصاد زیرزمینی، در ایران، از موانع توسعه است. ۳۰ تا ۴۰ درصد اقتصاد ایران زیرزمینی است که دولت، هیچ اطلاعاتی از آن ندارد. در حجم اقتصادی ۴۰۰ میلیارد دلار، وقتی برای ۳۰ درصد اقتصاد، هیچ برنامه‌ای ندارید، کل برنامه‌های دیگر هم به هم می‌ریزد.

وی در ادامه، به بحث ساختار قدرت سیاسی پرداخت و از مفهوم «ظرفیت» برای توضیح آن استفاده کرد و گفت: ظرفیت قدرت سیاسی، به معنای توانایی اقدام اثربخش و مداوم برای رسیدن به اهداف دولت، نظام و جامعه است. علوی تبار افزود: این ظرفیت، دارای ابعادی از جمله، بروکراسی، فسادگریزی، سیاسی، ارتباطی، پاسخگویی، یادگیری، قانون‌گذاری، اجرا و ... است.

وی با تعریف ایدئولوژی به گفتمان معطوف به عمل سیاسی، گفت: ایدئولوژی سیاسی ما با توسعه زاویه دارد. علوی تبار در تشریح آسیب‌های قدرت سیاسی در ایران، به دلایلی از جمله ساختار چندوجهی حکومت، ناسازگاری و تناقض در انجام وظایف و ایفای نقش، خودمختاری حکومت نسبت به نیروهای اجتماعی، وجود گرایش‌های ایدئولوژیک متعارض در اداره امور عمومی و خط‌مشی‌گذاری، تصمیم‌سازی‌های غیرعلمی اشاره کرد و گفت: اگر «خشونت» و «دخاله خارجی» را حذف کنیم، دو راه بیشتر برای ایجاد تغییر نداریم؛ یا «بهبودخواهی حکومتی» و یا «جنبش اجتماعی» که در اولی، اصلاح، از درون بخشی از حاکمیت بیرون می‌آید و در دومی، از دل فرودستان. البته بهتر آن است که مانند تجربه‌ای که در اسپانیا و پرتغال ایجاد شد، این هر دو به‌طور موازی و با هم برای ایجاد اصلاحات و تغییرات لازم همراه شوند.

در انتهای این نشست، دکتر علوی تبار به تعدادی از سؤالات حاضران پاسخ گفت.

نشست سوم در روز ۲۴ تیرماه با حضور دکتر علیرضا علوی تبار، عضو هیئت علمی دانشگاه محیط زیست با عنوان «سیاست و توسعه» برگزار شد. وی با تمایز قائل شدن میان دو رهیافت مطالعه توسعه توضیح داد: در رهیافت کلان و تاریخی، بیشتر به محدودیت‌ها و فرصت‌های توسعه توجه می‌شود و در رهیافت میانی، به کنشگران و مسئولیت بازیگران توسعه و تأکید بنده در سخنرانی امروز هم بر رهیافت میانی است. یعنی به نقش‌ها، مسئولیت‌ها و عملکردها در زمینه توسعه می‌پردازم. وی افزود: پروبلماتیک یا امر مسئله‌آفرین توسعه در ایران، کندی، ناپیوستگی و نامتوازن بودن توسعه است. اگر توسعه را به معنای فرایند افزایش ظرفیت‌ها و پویایی‌های یک نظام اجتماعی برای برآورده کردن نیازهای ادراک شده مردم جامعه و تطبیق با شرایط محیطی لحاظ کنیم، کندی توسعه در ایران، به معنای پس‌افتادگی نسبت به نیازهای ادراک شده و شرایط محیطی در حال تغییر است. ناپیوستگی به معنای انقطاع در این فرایند و نامتوازن بودن، به معنای این است که ابعاد مختلف توسعه، با هم پیش نرفته که خود، می‌تواند مختل‌کننده باشد.

این عضو هیأت علمی دانشگاه محیط زیست، با معرفی کتابش با عنوان «الگوی اقتصاد سیاسی»، به ارائه مدلی برای تبیین مسائل توسعه پرداخت. در این الگو، سه امر «اداره امور عمومی» یا «خط‌مشی‌گذاری عمومی»، «ساختار قدرت سیاسی» و «نظام اقتصادی» با «نیروهای اجتماعی» تعامل یا رابطه دوسویه دارند. علوی تبار پرسید: اشکال کار در چیست که خط‌مشی‌هایی که طراحی کرده‌ایم، توسعه مد نظرمان را تأمین نکرده است؟ چرا بیشتر مردم از وضعیتی که دارند ناراضی هستند؟ یا احساس می‌کنند که مشکلاتشان حل نمی‌شود بلکه تبدیل به معضل، بحران و فاجعه می‌شود؟ چرا جامعه ناشاد و فاقد آرامش است؟ اینکه خطاهایمان تکرار شونده هستند، نشانه این است که مشکل، سیستمی است. چرا خط‌مشی‌هایمان به نفع توسعه نیست؟

وی پاسخ داد: این امر ریشه در دو امر «اداره امور عمومی» و «ساختار قدرت سیاسی» دارد. سیاست ما نه تنها به توسعه کمک نمی‌کند بلکه، آسیب‌ها را تشدید می‌کند. علوی تبار توضیح داد: در این مورد، نیاز به دو نوع آسیب‌شناسی دور و نزدیک داریم؛ آسیب‌شناسی نزدیک، به معنای تمرکز بر اداره امور عمومی است که برون‌داد مطلوبی ندارد و آسیب‌شناسی دور، به معنای تمرکز بر ساختار قدرت سیاسی است.

این استاد دانشگاه توضیح داد: بهترین شاخص برای سنجش توسعه اقتصادی، شاخص سن (آمارتیا سن) است

دکتر فراستخواه: توسعه کشور نیازمند شکیبائی است

کنشگران مرزی، عباس میرزا بود که در مواجهه با ژوبر، سفیر وقت فرانسه در ایران پرسید: آیا استفاده از عقل، باعث توسعه غرب شده و ما در این مورد کوتاهی کرده‌ایم؟ اما معنای این عقل و عقلانیت چیست؟ فراستخواه توضیح داد: عقلانیت، یعنی باید «خردورزی جمعی» صورت بگیرد که تاکنون محقق نشده است. یعنی نتوانسته‌ایم «مدینه عاقله» را به جای «مدینه تحت مدیریت عقلا» بنشانیم که خود را در شایسته‌گزینی، نقد و پاسخگویی نشان دهد. بدین ترتیب، یک سده آزمون عقل نخبه‌گرا داشته‌ایم؛ از ۱۳۰۰ تا ۱۳۵۷ عقل تکنوکراتیک بر جامعه حاکم بوده که پروژه مدرنیزاسیون را پیش برده است و از ۱۳۵۷ تا کنون هم عقل ایدئولوژیک حاکم بوده که پروژه اسلامیزاسیون را اجرا کرده است.

فراستخواه، با اشاره به شاخص «آمادگی اقتصاد دانش» گفت: بانک جهانی در سال ۲۰۱۲ از این نظر، کشورها را به پنج کلاس تقسیم کرده است که ایران در کلاس دو قرار دارد. یعنی حتی کمی پایین‌تر از وضعیت ترکیه، مصر و عربستان. همچنین، در پیمایش ارزش‌های جهانی در سال ۲۰۰۸، در نقشه وضعیت کشورها از حفظ بقاء تا خودشکوفایی، ایران در وضعیتی است که مردمش بیشتر دغدغه بقاء دارند تا خودشکوفایی و خودبیانگری و ارزش‌های عالی. این پژوهشگر، تأکید کرد: باید به

آخرین نشست مدرسه توسعه ایران در روز ۲۵ تیرماه، با حضور دکتر مقصود فراستخواه، جامعه‌شناس و عضو هیأت علمی مؤسسه پژوهش و برنامه‌ریزی آموزش عالی و با موضوع «جامعه و توسعه» برگزار شد. فراستخواه در ابتدا به مسئله‌مندی توسعه در ایران پرداخت و گفت: با برنامه‌های عمران پیش از انقلاب اسلامی، تا درصدی رشد اقتصادی داشتیم اما نتوانست توسعه پایدار ایجاد کند. فکر غالب این بود که با استفاده از وام‌ها و فروش نفت، کالاهای و خدمات در جامعه افزایش یابد و اینگونه توسعه پیدا کنیم، اما به ملزومات انسانی، فرهنگی، اجتماعی و سیاسی توسعه توجه نمی‌شد. وی افزود: توسعه، یعنی وقتی جامعه به درک و بلوغ برسد، خود را سازمان دهد و ظرفیت‌هایش را افزایش دهد. به قول آمارتپاسن، توسعه، به معنای گسترش افق انتخاب‌های آدمی است که با شاخص‌هایی مانند درجه آزادی بیشتر، مشارکت جمعی، زندگی قانونمند و پرثمر، دولت پاسخگو، رشد اقتصادی و نیکبختی عمومی همراه است. فراستخواه، به مجید رهنما و مجید تهرانیان به عنوان دو متنفذ فرایند توسعه قبل از انقلاب اسلامی اشاره کرد که هم از سوی دولتمردان و هم روشنفکران مورد بی‌توجهی قرار گرفتند. او، مجید تهرانیان را یک «کنشگر مرزی» خواند که در مرز جامعه، دولت و دانشگاه فعالیت می‌کرد و افزود: یکی دیگر از این



جامعه ایرانی برگردیم و ببینیم که چه ویژگی‌هایی دارد که پروژه‌هایش دائماً شکست می‌خورد. مطالعه عادت‌واره‌های اجتماعی ما نشان می‌دهد که ما ملتی گمنشافتی هستیم که به ارتباط رو در رو علاقه داریم، روابط گرا هستیم، پوچی فکری یا نیهیلیسم در ما لانه کرده است؛ از مسئولیت فرار می‌کنیم؛ خود را قربانی سیستم جلوه می‌دهیم؛ یک ترومای فرهنگی داریم؛ احساس قربانی بودن، کرختی و بی‌مسئولیتی، به ستوه‌آمدن و استیصال، ... از ویژگی‌های فعلی جامعه ایرانی است. پس مسئله توسعه، مسئله جامعه و نهادهای اجتماعی است.

وی سپس به نتایج «پیمایش ترجیحات جهانی» اشاره کرد که به صورت آنلاین موجود است و می‌توان در آن، ویژگی‌های ملت‌ها را با هم مقایسه کرد. فراستخواه، به عنوان نمونه، از «شکلیابی» در زیست اجتماعی و ارتباطات به عنوان یکی از ویژگی‌های اجتماعی مؤثر در توسعه یاد کرد و گفت: ایران از نظر شکلیابی، بسیار پائین‌تر از متوسط جهانی است. درحالی‌که چین، کره و ... بسیار بالا هستند. عراق، ترکیه و هند هم پائین هستند. بدون شکلیابی، توسعه، امکان‌پذیر نیست. وی با اشاره به نقشه فرهنگی شوارتز گفت: در ایران، بیشتر، سلسله‌مراتبی و ادغام‌گرایانه فکر می‌کنیم؛ می‌خواهیم از منافع فوری بهره‌مند شویم و خودگردانی

فردی ضعیفی داریم. فراستخواه افزود: همچنین، براساس مدل تفاوت‌های فرهنگی هافستید، اجتناب از نااطمینانی در ایران بسیار بالاست؛ فرهنگ جمع‌گرایی درون‌گروهی و فردگرایی اجتماعی در ایران بسیار اهمیت دارد؛ اینها خصیصه‌های دوگانه یا ژنوسی جامعه ایرانی است. بنابراین، فهم جامعه ایرانی آسان نیست چون جامعه‌ای دوگانه است و با یکسری شاخص سنجیده نمی‌شود، بلکه باید با رویکرد زیست-بوم جامعه و پویایی‌شناسی جامعه راجع به جامعه ایرانی نظر دهیم. اکنون جامعه ما قطبی شده است بدین معنی که در زیست-جهان مردمان، میل به پیشرفت، رشد و شکوفایی وجود دارد اما سیستم‌ها با آن توازن و همخوانی ندارند. فراستخواه به مطالعه گلوب به سرپرستی جاویدان و دستمال‌چیان اشاره کرد و گفت: بر اساس پژوهش آنها، میل به موفقیت در ایرانیان بسیار بالاست، اما آینده‌نگری، جهت‌گیری درازمدت، صبری، برنامه‌ریزی، امید و ... با این میل، همساز نیست و واگراست. به این معنی که جامعه ایرانی میل به پیشرفت دارد اما امید ندارد. اینها پیچیدگی‌های این جامعه است که باعث شده ما اکنون، جامعه‌ای پر تب و تاب، پرتشنج و ناآرام داشته باشیم. انگار جامعه دچار بحران بلوغ شده و می‌خواهد قد بکشد و بزرگ شود. در این میان، صفات، روابط و مناسبات، نهادها و ... هم تغییر می‌کند.



فراستخواه سپس به سراغ بحث تغییرات ساختی در جامعه ایرانی رفت و گفت: ساخت زندگی، یا ماده زندگی که عوض شود، بینش و نگرش و اندیشه‌ها هم تغییر می‌کنند. به عنوان نمونه، تغییرات جمعیتی، بزرگ شدن جمعیت و افزایش شهرنشینی در الهیات و خداشناسی تغییر ایجاد می‌کند. یعنی نظام‌های معرفتی قبلی، پاسخگوی نیازهای این جامعه جدید نیست. اکنون بیش از ۹۰ درصد جمعیت تهران باسواد است؛ ایران از نظر سرمایه اجتماعی در رتبه ۸۰ یعنی کمی پایین‌تر از متوسط قرار دارد؛ از نظر گروه درآمدی هم در رتبه ۸۰ یعنی بالاتر از میانگین جمعیت هستیم؛ از نظر سنی، از میانگین ۲۲ سال قبل از انقلاب، به ۳۰ سال رسیده‌ایم؛ ضریب جینی در حال حاضر ۴۰ است؛ در گزارش بانک جهانی، از نظر شاخص تولید ناخالص داخلی، رتبه ایران ۲۷ است، اما شاخص نیکبختی اجتماعی ۴/۶ است که ما را پائین‌تر از متوسط جهان و در رتبه ۱۰۸ از ۱۵۵ کشور جهان قرار می‌دهد. این نشان می‌دهد که ساختارهای قدرت، ثروت و فرهنگ، نمی‌تواند این درآمد را تبدیل به شادی و نیکبختی کند. این پژوهشگر اجتماعی نتیجه گرفت: در مجموع، فرایند توسعه در ایران، در سطح نهادهای اجتماعی، نتوانسته است به‌طور رضایتبخشی مستقر شود و حرکات سینوسی، ناهمزمانی و ناپایداری داشته است.

فراستخواه با بیان اینکه نظام آموزشی و فناوری‌های اطلاعات و ارتباطات می‌توانند زمینه‌ساز توسعه باشند، بر نقش آنتولوژی (هستی‌شناسی) جامعه در امر توسعه تأکید کرد و گفت: وقتی آنتولوژی یک جامعه تغییر نمی‌کند، نمی‌توان انتظار توسعه داشت. توسعه، دیالکتیکی و درون‌زاست؛ به معنای از بین بردن نهادهای جامعه نیست بلکه همان نهادها باید تغییر و بسط پیدا کنند. بنابراین، برای اینکه توسعه در ایران مانا و دیرپا و زیست‌پذیر باشد، باید نگاهمان به توسعه، در سطح هستی‌شناسی اجتماعی باشد.

وی افزود: نهضت مشروطه، نهضت تلگرافها بود؛ نهضت ملی، تحولی ناشی از سواد، شهرنشینی و رادیو

بود؛ انقلاب اسلامی، با سخنرانی‌ها و نوارها پیش رفت؛ تحول‌خواهی دهه ۷۰ ناشی از مطبوعات بود و تحول‌خواهی دهه ۸۰ ناشی از اینترنت، تلویزیون‌های ماهواره‌ای، وبلاگ و شبکه‌های اجتماعی بوده است. فراستخواه، با اشاره به نرخ بالای رشد استفاده‌کنندگان از اینترنت و همچنین، سرعت رشد اینترنت ثابت و همراه در ایران، گفت: متوسط مصرف شبکه‌های اجتماعی مجازی در ایران، ۱۲۰ دقیقه در روز است. که رقم بالایی است. سیاست فیلترینگ هم نمی‌تواند با مصرف این شبکه‌ها در زندگی روزمره کاربران ایرانی بازی کند.

فراستخواه، در پایان، اینطور جمع‌بندی کرد: یک معادله توضیح‌دهنده توسعه، معادله جامعه و دولت است. یعنی جامعه بزرگ و دولت کوچک توسعه نمی‌یابد؛ همچنین برعکس آن، یعنی دولت بزرگ و جامعه کوچک هم توسعه نمی‌یابد. اکنون، با توسعه آموزش و فناوری‌های ارتباطی، شانس جامعه ایرانی برای بزرگ شدن، نیرو گرفتن و قدرت یافتن بیشتر شده است؛ فاصله دولت هم کم‌کم از ملت کمتر می‌شود و انتظار می‌رود جامعه ایرانی بتواند دولت را در حوزه کشش خودش قرار دهد. جامعه، به معنی زیست-بوم شهر، نهادهای مدنی و صنفی، بخش غیردولتی قوی، بلوغ فرهنگ سیاسی باید بزرگتر و قوی‌تر شود. از سوی دیگر، دولت به معنی دریافت‌های نفتی مستقل از مردم، افسون ایدئولوژی، قدرت قدسی و انحصار قدرت باید کوچکتر شود. بنابراین، راه‌حل هستی‌شناختی جامعه ایرانی، بزرگ شدن حوزه‌های میانی و نهادهای واسط است. در انتهای این نشست، دکتر فراستخواه به تعدادی از سؤالات حاضران پاسخ گفت.

إِنَّا لِلَّهِ وَإِنَّا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ

همکار گرامی، جناب آقای علیرضا مرادی

مصیبت درگذشت برادر گرامی‌تان را تسلیت عرض می‌کنیم و از خداوند سبحان برای آن مرحوم علو درجات و برای جنابعالی و خانواده محترم صبر جمیل و اجر جزیل مسألت داریم.

روابط عمومی



اخلاق حرفه‌ای در پژوهش؛ مسئولیت اجتماعی دانش

لذا دانش هم دانش مدرن است و این مدرن بودن محصول تجربه انسان معاصر است و به بیان دیگر دانشگاه برآمده از تجربه تجدد ماست و مسئولیت اجتماعی دانش با یاددهی و یادگیری است که امکان معاصر بودن را برای خودش فراهم می‌کند. از طریق

به همت معاونت فرهنگی - اجتماعی پژوهشگاه، سومین نشست از سلسله نشست‌های طرح بصیرت افزایی با عنوان «اخلاق حرفه‌ای در پژوهش: مسئولیت اجتماعی دانش» در روز سه شنبه ۴ تیرماه در سالن حکمت پژوهشگاه برگزار شد.



یاددهی و یادگیری است که پرورش انسانی با منش ویژه امکان‌پذیر می‌شود و انسانی با انرژی عاطفی و شناخت لازم برای کنش کردن تربیت می‌شود. وی ادامه داد: انسان دانشگاهی باید تعصب را کنار بگذارد و سنت را نقد کند. به عنوان انسان اندیشمند، میراث فرهنگی خود را بشناسد و آن را نقد کند. مسئولیت اجتماعی دانشگاه این است که انسانی با منش خاص را به جامعه عرضه می‌کند که اگر لازم باشد صدای جامعه و صدای فرودستان باشد. از محیط زیست مراقبت کند. به عدالت حساس باشد؛ نه عدالتی که توجیه‌گر نابرابری باشد، بلکه عدالتی که از درون دانش در می‌آید و دانشگاه آن را تعریف می‌کند. حتی اگر لازم باشد در برابر خود دانشگاه بایستد و آن را نقد کند و به چالش بکشد.

این استاد دانشگاه تأکید کرد: در این منش دانشگاهی، آموزش به ابزار اطلاعات و انتقال ایدئولوژی تقلیل نمی‌یابد. به حافظه و گفتن طوطی‌وار عادت داده نمی‌شود، بلکه به واقعیت‌های معاصر توجه می‌شود و آن را می‌فهمد و نقد می‌کند.

در این نشست که پژوهشگران جوان پژوهشگاه حضور داشتند، دکتر نعمت الله فاضلی در رابطه با اخلاق حرفه‌ای در پژوهش، به بحث مسئولیت اجتماعی دانش و دانشگاه اشاره کرد و گفت: این مسئله به خودی خود اضطراب‌آور است، چرا که فرم یادگیری و یاددهی در دانشگاه مشکل دارد و حالت ابزاری پیدا کرده است. علاوه بر این، ایدئولوژی، حکومت و سیاست در آن دخالت می‌کند. همچنین زندگی فردی بر زندگی و مسئولیت اجتماعی دانشگاهی ترجیح داده می‌شود.

وی در تشریح سخنان خود افزود: بهتر است حرف آخر را همان اول بگوییم. مسئولیت اجتماعی دانش، تولید علم نیست. وظیفه دانش تولید ثروت یا کاربردی شدن نیست. مسئولیت اجتماعی دانش این نیست که به ایدئولوژی حاکم مدد رساند و آلت دست حکومت باشد و به تعبیر دیگر بازتولید گفتمان حاکم را انجام دهد. مسئولیت اجتماعی دانش این است که در خدمت جامعه باشد.

عضو هیأت علمی پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی خاطر نشان کرد: دانشگاه نهاد مدرن است

وی در بخش دیگری از سخنانش اظهار داشت: فوکو معتقد بود که آنچه جامعه را می‌سازد، ترکیب دانش و قدرت است. دانش مسئولیت شکل دادن جامعه را به عهده می‌گیرد. اما نقطه مقابل آن، بعضی اعتقاد دارند که دانش مطلقاً چنین وظیفه‌ای را ندارد. علم فقط پاسخگوی خودش است. صحت، درستی و اعتبار آن مستقل از ارزش است و لذا شکلی از دانش شکل گرفت که تنها پاسخگوی خودش هست و به دنبال آن، شکاف ارزش و دانش مطرح شد. در روایت قرن ۲۰ از دانش، دانش تنها پاسخگوی خودش شد. اما در دهه‌های اخیر اندیشمندان به این نتیجه رسیدند که دانش و ارزش نمی‌تواند جدا باشد.

دکتر فاضلی افزود: در دنیای جدید نه با خواست خدا سرکار داریم و نه با تقدیر. همه چیز محصول علم جدید است. مدرنیته سیال و ویژگی این جامعه است و یقین وجود ندارد. لذا برای علم جدید بحران مشروعیت به وجود می‌آید و پرسش‌های مهمی شکل می‌گیرد. این سؤال مطرح می‌شود که آیا تبیین‌های ما قابل اعتماد است؟ به بیان دیگر باور به اسطوره بودن علم سست می‌شود و به دنبال آن، سستی اجتماعی و سستی معرفتی به وجود می‌آید.

وی گفت: مسئولیت اجتماعی به دنبال این است که این سستی‌ها را چگونه درمان کنیم؟ مسئولیت اجتماعی دانش، به دنبال توانایی کنترل وضعیت خود است و معتقد است باید در ترازوی جامعه، دانش سنجیده شود و از دل آن برنامه‌ای دریابد که بتواند خود را تنظیم کند. لذا دانشگاه باید در خدمت ارزش‌های دموکراتیک باشد و لا غیر. ارزش‌های دموکراتیک یعنی چی؟ یعنی گروه‌ها، فرهنگ‌ها، اقوام و دین‌ها در یک فرصت برابر،

قدرت ارائه خود را داشته باشند. مناظره، بحث آزاد و ... برای همه امکان‌پذیر باشد. امکان یادگیری و یاددهی دموکراتیک فراهم باشد، یعنی هیچ مرجعیتی از بالا امر نکند که این چیز را یاد بگیر یا نگیرد، و یا این فرد سخن بگوید یا نگوید. اگر چنین شود، این دانش نمی‌تواند مسئولیت اجتماعی خود را انجام دهد، زیرا دیگر اجتماعی وجود ندارد. قلدورها حاکم هستند و آنها تعیین می‌کنند که کسی حرف بزند که ارزش‌هایشان را تأیید کند.

این پژوهشگر اجتماعی تصریح کرد: وظیفه‌گرایی برای دانشگاه دموکراتیک امکان‌پذیر است. اگر دموکراسی حاکم بود و استادی در مورد ظلم سخن نگفت، او را باید مؤاخذه کرد. اما خیلی وقت‌ها مسئولیت اجتماعی دانش براساس وظیفه حکومت‌ها تنظیم می‌شود. دانشگاه که گسترش پیدا کرد، عده‌ای می‌خواستند از طریق دانشگاه ارتقاء پیدا کنند و مسئولیت دانشگاه این شد که عده‌ای را ارتقاء دهد یا مسئولیت اجتماعی دانشگاه در خدمت بازار قرار گرفت و در نتیجه دانشگاه به‌عنوان فضای مسئول، شهروند تربیت نکرد.

وی در انتها اظهار داشت: بحران امروز، بحران انتقال منش است که دانشگاه نمی‌تواند آدم تربیت کند و استادش منشی را منتقل نمی‌کند. دانشگاه باید مروج منش شجاعت، نقادی، تساهل و گفتگو باشد و صلح، عدالت و برابری را با رفتار خود ترویج کند. در واقع مسئولیت اجتماعی دانش، شهروند دانشگاهی تربیت می‌کند.

در پایان این نشست، دکتر فاضلی به سؤالات حاضران پاسخ گفت.



جامعه‌شناسی کوتاه‌بین؛ مطالعه موردی نظریهٔ جامعه‌کلنگی

گفتگو از کتاب «فرهنگ. تاریخ. سیاست» مربوط به همین نظریه است. همچنین کتاب در جست و جوی جامعه بلند مدت (۱۳۹۳، نشر نی) حاصل سه جلسه مصاحبه با ایشان پیرامون این نظریه است. از این جهت او توانسته توجه محافل علمی ایران را به نظریه جامعه کلنگی جلب کند و محل رجوع و مباحثات علمی قرار دهد. گرچه هر نظریه ای که بتواند محافل علمی را مورد توجه خود قرار دهد، ارزش مطالعه را پیدا می‌کند؛ لیکن تصمیم نگارنده بر مطالعه انتقادی در این چار چوب نیست. بلکه اهمیت پرداختن به نظریه جامعه کوتاه مدت در این گفتار از افق مطالعه انتقادی پیرامون مسأله «روشنفکران ایرانی و انقلاب اسلامی» است. روشنفکران ایرانی در فهم و برقراری نسبت با پدیده‌ها و رویدادهای سیاسی و اجتماعی جامعه ایرانی عمدتاً بر پایه نظریه‌های جامعه‌شناختی عمل می‌کنند. از این رو، برای فهم چگونگی مواجههٔ روشنفکران ایرانی با واقعه و گفتمان انقلاب اسلامی، مطالعهٔ نظریات رایج جامعه‌شناسی در محافل علمی اهمیت پیدا می‌کند. چنانکه مطالعه موردی نظریهٔ جامعهٔ کلنگی دکتر کاتوزیان از همین بابت اهمیت پیدا کرده است.

مهدوی‌زادگان تأکید کرد: خوش اقبالی کاتوزیان است که نظریاتش در محافل علمی مورد نقد بررسی

پژوهشکدهٔ نظریه‌پردازی سیاسی و روابط بین‌الملل سه شنبه ۵ شهریورماه ۱۳۹۸، نشست علمی «جامعه‌شناسی کوتاه‌بین؛ مطالعه موردی نظریهٔ جامعهٔ کلنگی» را با سخنرانی حجت الاسلام والمسلمین داود مهدوی‌زادگان برگزار کرد.

مهدوی‌زادگان در آغاز بحث گفت: دربارهٔ جامعهٔ ایرانی از منظر جامعه‌شناسی نظریه‌ها و تحلیل‌های مختلفی در یکصد سال اخیر ایراد شده است. برخی از این نظریات مقطعی است و در گذر زمان به فراموشی سپرده می‌شود و برخی از آنها به دلیل قوت محتوایی‌شان ماندگارترند. نظریهٔ غرب‌زدگی آل احمد از جمله نظریه‌پردازی‌های جامعه‌شناختی ایران است. دکتر محمد علی همایون کاتوزیان، استاد ایرانی مقیم انگلستان از جمله جامعه‌شناسانی است که عمر دانشگاهی خود را صرف تحلیل علمی جامعهٔ ایرانی کرده است و تاکنون در این راه نظریه‌های جامعه‌شناختی متعدد به‌هم‌پیوسته‌ای ارائه کرده است. جدیدترین آن، نظریهٔ «ایران، جامعهٔ کوتاه‌مدت» یا نظریهٔ «جامعهٔ کلنگی» است. وی در سال ۱۳۹۰ این نظریه را در کتابی با همین عنوان ایران، جامعه کوتاه‌مدت (۱۳۹۰، نشر نی) بیان کرد. وی ادامه داد: کاتوزیان این نظریه را در مقالات و یادداشت‌ها و مصاحبه‌ها و گفتگوهای زیادی با وی انجام شده است، پی گرفته است. چند مقاله و



قرار گرفته است. نظریه «ایران، جامعه کوتاه مدت» وی در همین سه چهار سال اخیر در نشست‌های مختلف از سوی استادان و پژوهشگران زیادی مورد بازخوانی و نقد قرار گرفته است. از جمله می‌توان به برگزاری نشست‌هایی در دانشگاه تهران، دانشگاه تربیت مدرس، پژوهشگاه علوم انسانی و انجمن جامعه‌شناسی، اشاره کرد. از این رو، نقد و بررسی نظریه‌ای که تا این اندازه مورد توجه واقع شده است، دشوار خواهد بود. چون باید مطالبی بیان شود که دیگران نگفته باشند و تازگی خود را داشته باشد. البته عمده دیدگاه‌هایی که پیرامون این نظریه مطرح شده است هم ذات پندارانه بوده است و بیشتر به استقبال آن رفته‌اند و در مبنای نظریه مانند استبداد شرقی و توسعه‌نیافتگی جامعه ایرانی با کاتوزیان اختلاف نظر چندانی ندارند. کمتر شده که این نوع جامعه‌شناسی ابژه تحقیق قرار گیرد و از این زاویه، مفاهیم کلیدی و اصول و رویکرد صاحب نظریه بررسی شود ولی در عین حال بر تعلق خاطر صاحب نظریه جامعه کلنگی به مرام مارکسیستی و عدم آگاهی جامع از تاریخ ایران تأکید شده است. برخی هم که در مقام نقد آن برآمدند ولی بیشتر به نقد سخن منتقدان پرداخته‌اند. گرچه ارایه نظریه بدیل ارزش کار منتقدین را دو چندان می‌کند ولی اگر هم نقد عاری از نظریه بدیل باشد، چیزی از ارزش نقد نمی‌کاهد.

وی افزود: عنوانی که برای این گفتار انتخاب شده (جامعه‌شناسی کوتاه بین) ایهام دارد و در این کار هم تعمدی وجود دارد. زیرا در پی اشاره به دو ساحت بحث است. یکی نقدی است که بر این نوع جامعه‌شناسی‌ها داریم و دیگری یافتن محمل و جایگاه مناسبی برای آن در مطالعات علمی است. طبعاً ساحت دوم می‌تواند بدیلی برای این نظریه محسوب شود. «کوتاه بین» در ساحت اول، وصفی برای خود جامعه‌شناسی است؛ یعنی جامعه‌شناسی که موضوعات پژوهشی خود را آنچنان که هست نمی‌بیند به‌طوری که برخی امور را کوتاه و برخی دیگر را بلند می‌بیند. در این صورت، پرسش اصلی آن است که چگونه است که جامعه‌شناسی کوتاه بین می‌شود. اما کوتاه بین در ساحت دوم، وصفی برای موضوع شناسایی است و نه وصف جامعه‌شناسی؛ یعنی جامعه‌شناسی که امور کوتاه را می‌بیند. در این صورت، پرسش از صدق تشخیص است. آیا آن جامعه کوتاه مدت عینی همین است که دیده شده یا آنکه جامعه کلنگی چیز دیگری است. بنابر این، نقد ما بر نظریه جامعه کلنگی در دو ساحت هویت و کاربست جامعه‌شناسی خواهد بود.

عضو هیأت علمی پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی گفت: دغدغه یا مسأله دیرینه کاتوزیان توسعه‌نیافتگی ایران است. وی چنانکه خود گفته است از چهل سال پیش که کتاب «اقتصاد سیاسی ایران» را منتشر کرده تا کنون کوشیده در پرتو نظریه پردازی

مختلف به چرایی این مسأله پاسخ دهد. بنابر این، نظریه جامعه کوتاه‌مدت ایران» یا «جامعه کلنگی ایران» ریشه در تحقیقات گذشته وی دارد و به مرور به آن رسیده است. وی روش مطالعه خود را قیاس دقیق با تاریخ اروپا اعلام می‌کند (در جستجوی جامعه بلند مدت، ۱۳۹۶: ۱۵). این نظریه بر مفاهیم کلیدی استبداد، قانون، جانشینی مستمر، قدرت شاه و طبقه اشراف، مالکیت و انباشت ثروت استوار است. تکیه اصلی نظریه جامعه کلنگی نظریه مادر؛ یعنی استبداد شرقی است. جامعه ایرانی چون استبدادی است، کوتاه مدت می‌شود. در واقع، کاتوزیان به یکی از ویژگی‌های جامعه استبدادی می‌پردازد و از این جهت، یک نظریه فرعی تلقی می‌شود. اما تبیین این کوتاه‌مدت بودن از طریق مطالعه قیاسی به دست می‌آید؛ مقایسه «دقیق» جامعه ایرانی با تاریخ اروپا. وی در این مقایسه، سه مشکل اساسی را که در جامعه ایرانی وجود دارد ولی در اروپا نیست، بازخوانی می‌کند:

۱. مشکل مشروعیت و جانشینی؛ قوانین جانشینی در اروپا همواره پایدار بوده است و همیشه به نخست زادگی (فرزند اول) می‌رسد ولی در ایران چنین نیست. اما در ایران هیچ قانون تخطی‌ناپذیر وجود ندارد. مهم مستعد فره ایزدی بودن است که امر اکتسابی است. شبیه نظریه ولایت فقیه در دولت اسلامی که ولی را مظهر اراده خداوند می‌داند.

۲. بی‌اعتباری جان و مال؛ چون شاه نماینده خداوند است به جامعه پاسخگو نبود و کسی نمی‌توانست مدعی حقی شود. هیچ قانونی نمی‌تواند قدرت شاه را محدود کند مالکیت خصوصی بی‌معنا می‌شود. این امر، وضعیت ناامنی در جان و مال را پیش می‌آورد.

۳. مشکل انباشت و توسعه؛ انقلاب صنعتی نتیجه انباشت دراز مدت سرمایه تجاری و بعد سرمایه صنعتی بود. به نظر اسمیت هر پس‌انداز کننده‌ای دوست و هر اسراف‌کننده‌ای دشمن جامعه است. اما این انباشت سرمایه نباید دچار هراس از غارت و مصادره اموال شود. چنانکه بورگ‌ها از دست اندازی فئودال‌ها در امان بودند ولی در ایران چنین نبود. چون در ایران ترس از غارت و مصادره اموال حاکم است. لذا در چنین جامعه‌ای تحلیل اخلاق پروتستانی ویر وجود ندارد.

وی در ادامه به دو مورد ذیل اشاره کرد و گفت:

- مطالعه قیاسی شبه‌نظریه یا لاقط نظریه فرعی است.

- مطالعه اروپایی کاتوزیان مقرون به واقعیت نیست. این جنبه از بحث تقریباً از نظر منتقدین دور مانده است. متأسفانه گزارش کاتوزیان از تاریخ اروپا به شدت سلیقه‌ای یا گزینشی و قدسی است. اساساً نظریه اخلاق پروتستانی ماکس وبر، رقیب اثبات‌شده نظریه جامعه کلنگی است. به درستی برخی این نظریه را مارکسیستی می‌دانند. لذا کاتوزیان نظریه اخلاق پروتستانی را بر نمی‌تابد. ثانیاً گیرم که جانشینی



جور سلاطین را ناچیز شمرده است. این عقیده کاملاً نادرست است.

چهارم؛ تغییر مستمر طبقه اشراف و نجیب‌زادگان با نبود چنین طبقه فرق می‌کند. چنین تغییری در اروپا هم وجود دارد. چنانکه خود ایشان هم به این امر معترف است. پس چگونه است که تغییر در اینجا مؤثر است ولی در آنجا غیرمؤثر است.

مهدوی زادگان در مورد «نقد در ساحت کاربرست دانش» گفت: فرض ما بر این است که برای دیدن جامعه بلندمدت به جامعه‌شناسی بلند نظر نیاز است. اگر دانشی قادر به دیدن بلندای یک جامعه کهن یکپارچه نیست بهتر است به مطالعه همان خاستگاه اجتماعی بومی خود بسنده کند و همان جامعه کوتاه‌مدت خود را ببیند. جامعه‌شناسی مدرن همه جوامع غیرمدرن را ناچیز و کوتاه می‌بیند. درحالی‌که جوامع غیرمدرن بزرگی خود را دارند. پس باید برای دیدن جوامع بلندی چون جامعه ایرانی، جامعه‌شناسی بلند نظر تأسیس کرد و الا با جامعه‌شناسی مدرن فقط می‌توان جامعه مدرن را تحلیل کرد. چون در اصل ساخت جامعه مدرن بر کوتاه بودن استوار است. به عبارت دیگر، کوتاه بودن لازمه مدرن بودن است. هیچ چیزی در مدرنیته مستمر و همیشگی نیست. بی‌جهت نیست که مارشال برمن در توضیح عنوان کتابش (تجربه مدرنیته) این جمله مارکس را انتخاب کرده است:

هر آنچه سخت و استوار است، دود می‌شود و به هوا می‌رود. بر این اساس، اگر بخواهیم محملی علمی برای نظریه جامعه کلنگی دکتر کاتوزیان به دست آوریم؛ باید گفت، آنچه که او درباره جامعه ایران گفته است مربوط به جامعه مدرن ایرانی است. این سخن، نه از آن رو است جامعه مدرن ایرانی تازه تأسیس است بلکه از آن رو است که اوصافی که وی برای جامعه کوتاه‌مدت ذکر کرده است با جامعه مدرن ایرانی مطابقت دارد.

تضمین شده بود، ولی ربطی به کوتاه و بلندی جامعه ندارد. ثالثاً اشراف سد توسعه بودند و نه عامل توسعه. آنان مانع پویایی جامعه بودند. و اساساً پویایی در تغییر جانشین و مالک است. امرهمیشه ثابت، انگیزه پیشرفت را می‌گیرد. رابعاً عامل توسعه بورژواهای فراری از اشراف بودند. بورگ‌ها در قلعه‌های آزاد و رها از سلطه فئودال‌ها زندگی می‌کردند و رعیت‌های ستم‌دیده به این قلعه‌ها پناه می‌بردند. خامسا انباشت ثروتی که در توسعه اروپایی نقش موثری داشت، پول بود و نه زمین. و این نوع انباشت ثروت از ناحیه اشراف و نجیب‌زادگان به شدت مورد تهدید و غارت واقع می‌شدند. به همین خاطر، بورگ‌ها مسأله آزادی و قانون و مالکیت شخصی را همزمان مطرح کردند. نتیجه اینکه فرض نبودن مشکل مشروعیت و جانشینی در اروپا را بپذیریم ولی این امر دخالتی در توسعه اروپا ندارد بلکه راه بود. دولت‌های مطلقه قانون‌گرا مانند حکومت کرامول (۱۶۴۹-۱۶۵۸م) و طبقه بورژوا عامل توسعه بودند. سلطنت هم پس از پذیرش مشروطیت در مسیر توسعه قرار گرفت اما تحلیل کاتوزیان از تاریخ جامعه ایرانی غیر واقع بینانه است. او نسبت‌هایی به مردم ایران می‌دهد که ناتوان از اثبات آن است. و جالب آن است که از منتقدین خود می‌خواهد که اگر قبول ندارید استدلال کنید. در این باره نقدهای زیادی بیان شده که فی الجمله پذیرفتنی است.

اول؛ اینکه تداوم جامعه را وابسته به سه مسأله جانشینی و بی‌اعتباری جان و مال و انباشت سرمایه دانستن محل بحث است و سخن کاتوزیان در این باره کافی و مستدل نیست. عوامل زیادی برای بلندی جامعه ایرانی وجود دارد مانند دین و روحانیت، اخلاق، شریعت، زبان، تاریخ، وجود پیوندهای قومی.

دوم؛ چگونه ممکن است که جامعه‌ای کوتاه مدت باشد ولی تمدنی عمیق و بلند مدت را پایه‌گذاری کند. سوم؛ کاتوزیان نقش شریعت و فقه اسلامی در تحدید





فراخوان نخستین دوره جایزه علمی دوسالانه دکتر صادق آئینه‌وند

ویژه تاریخ

انجمن ایرانی تاریخ، کتابخانه دکتر صادق آئینه‌وند و گروه تاریخ دانشگاه تربیت مدرس به منظور پاسداشت خدمات استاد دکتر صادق آئینه‌وند، حمایت از رشته تاریخ و تشویق پژوهشگران جوان در حوزه علوم تاریخی، نخستین دوره جایزه علمی دوسالانه دکتر صادق آئینه‌وند را با موضوع رساله‌های دوره دکتری تاریخ برگزار می‌کند.

شرایط آثار:

کلیه رساله‌های دکتری در حوزه مطالعات تاریخ ایران، تاریخ اسلام، تاریخ تشیع و مطالعات بین رشته‌ای در حوزه تاریخ که از ابتدای سال ۱۳۹۴ تا پایان مهرماه ۱۳۹۸ در دانشگاه‌ها و موسسات آموزش عالی سراسر کشور دفاع شده‌اند، می‌توانند در این رقابت شرکت نمایند.

رساله‌هایی برای بررسی پذیرش می‌شوند که با درجه بسیار خوب و بالاتر (نمره ۱۸ و بالاتر) دفاع شده باشند و تا زمان ارسال به دبیرخانه به صورت کتاب چاپ و منتشر نشده باشند.

نحوه ارسال آثار:

متقاضیان موظف هستند یک نسخه از رساله خود منظم به صورت جلسه دفاع را به شکل PDF از طریق نشانی ایمیل:

aeenevandprize@gmail.com

ارسال نمایند. در صورتی که رساله ارسالی از سوی شورای علمی واجد شرایط اولیه برای داوری شناخته شد، برای داوری ارسال می‌شود.

مهلت ارسال آثار حداکثر تا پایان آبان ماه سال جاری خواهد بود.

شیوه تقدیر از آثار برگزیده:

از رساله برگزیده در مراسمی همزمان با سالگرد رحلت مرحوم دکتر صادق آئینه‌وند در اردیبهشت ماه ۱۳۹۹ با اهداء تندیس، لوح تقدیر و جایزه نقدی تقدیر خواهد شد و به انتشار اثر برگزیده در قالب کتاب نیز کمک می‌شود.

در صورتی که اثر دیگری از سوی شورای علمی شایسته تقدیر شناخته شود، از اثر مزبور با اهداء تندیس و لوح تقدیر تجلیل خواهد شد.

آدرس دبیرخانه:

تهران - تقاطع بزرگراه شهید چمران و جلال آل احمد -
دانشگاه تربیت مدرس - دانشکده علوم انسانی -
طبقه سوم، کتابخانه دکتر آئینه‌وند
تلفن: ۸۲۸۸۳۶۵۹

مدیر مسئول: سیدمحسن علوی‌پور

سر دبیر: حوریه احدی

هیأت تحریریه: شهرام اصغری، محسن باباخانی، مجید زارع، سعیده زندی و صادق کیا

ravabet1@ihcs.ac.ir

www.ihcs.ac.ir

پیام‌رسان‌ها: @pajoheshgah, @ihcss